



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

محل ، کلبه قوانین ، به مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاكرات مجلسین - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی و قانونی

شماره ۲۲۹۳

شنبه ۷ دی ماه ۱۳۳۱

سال هشتم

شماره مسلسل ۴۹

دوره هفدهم مجلس شورای ملی

مذاكرات مجلس شورای ملی

جلسه ۴۹

صورت مشروح مذاكرات مجلس روز شنبه

۳۰ آذرماه ۱۳۳۱

فهرست مطالب

۱) طرح صورت مجلس

۲) گزارش آقای مهندس حسینی راجع بچریان مذاكرات نمایندگی در

کمیسیون بین المللی نفت

۳) بیانات آقای وزیر کار در موضوع فوق

۴) بقیه مذاکره در گزارش کمیسیونهای بودجه و فرهنگ راجع باضافه اعتبار

بودجه ۱۳۳۱ وزارت فرهنگ و تصویب آن

۴) تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه



مجلس ساعت نه و سی و پنج دقیقه صبح بریاست آقای مهندس رضوی

(نایب رئیس) تشکیل گردید

۱- طرح صورت مجلس

نایب رئیس - صورت غائبین جلسه قبل

رائت میشود (توسط آقای ناظرزاده (منشی)

(بشرح زیر قرائت شد)

غائبین با اجازه - آقایان : شاپوری

اشد - صرافزاده - دکتر طاهری -

هادری - زهری - جلیلی

غائبین بی اجازه - آقایان : دکتر

مامی - محمد حسین قشقائی - دادور -

شاره - میلانی -

دیرآمدگان با اجازه و زود رفتگان -

آقایان : دکتر معظمی ۱۵ دقیقه ، منصف

۴ دقیقه - عبدالرحمن فرامرزی یکساعت

اکثر فلسفی یکساعت - گنجی یکساعت و

۳۰ - عامری یکساعت و نیم - حاج سید

جوادی یکساعت و نیم - دکتر سنجابی یک

ساعت و نیم

دیرآمدگان بی اجازه و زود رفتگان -

آقایان : پورسرتیب ۱۵ دقیقه - دکتر کیان

۲۵ دقیقه - شهاب خسروانی سی دقیقه -

شبستری یکساعت - خسرو قشقائی یک

ساعت و سی دقیقه - امیرافشار یکساعت و

۴۵ دقیقه - دکتر مصباحزاده دو ساعت و ۱۵

دقیقه - تولیت دو ساعت ۱۵ دقیقه

غائبین در رای - آقایان : شبستری

یک رای - موسوی یک رای - منصف یک رای

حاج سید جوادی - بنده اعتراض

دارم

نایب رئیس - نسبت بصورت جلسه

پنجشنبه ۲۷ آذر نظری هست ۲ آقای کهید

نسبت بصورت جلسه نظری دارید بفرمائید

کهید - بنده در جلسه پریروز راجع

به لایحه اتوبوسرانی اینجا راجع به حق تقدم

پیشنهادی دارم که حق تقدم با صاحبان فعلی

اتوبوس است و سهام باید با اسم باشد و در

لایحه فرهنگ هم عرض کرده بودم که در درجه

اول توجه بفرهنگ بشود کلمه (توجه)

حذف شده استدعا دارم اینها را اصلاح

بفرمائید

نایب رئیس - آقای حاج سید جوادی

فرمایشی دارید ؟

حاج سید جوادی - بنده روز

پنجشنبه کتباً اجازه گرفتم

نایب رئیس - آقای پورسرتیب

پورسرتیب - در عرض بنده مختصر

اشتباهی شده است که تصحیح میکنم و میدهم

به تند نویسی و در مورد دیر آمدن هم بنده

قبلاً تلفن کرده بودم

نایب رئیس - آقای کریمی

کریمی - بطوریکه آقایان ملاحظه

میفرمایند صورت جلسه گذشته ۱۹ صفحه

است و بیش از چهار پنج دقیقه هم نیست که

با داده اند مجالی نیست که مطالعه ای بشود

و اگر اشتباهی هست تذکر داده بشود حالا

تصویب میشود و بعد می بینید که مطالبی بر -

خلاف حقیقت در اینجا درج شده خواستم

مقام ریاست محترم را متذکر کنم موقعی

را برای تصویب صورت جلسه در نظر بگیرند

که نمایندگان بقدر کفایت در صورت جلسه

مطالعه کرده باشند

نایب رئیس - آقای کریمی نماینده

محترم باید توجه بکنند که در صورت جلسه

کلمات و مطالبی برخلاف حقیقت نیست

(صحیح است) گاهی مختصر تری اشتباهها

یا در چاپ یاد داد داشت آقایان تند نویسیها

میشود که اصلاح میشود

کریمی - بنده عرض نکردم

غندآ

نایب رئیس - علاوه حالا تصویب

صورت مجلس اعلام نمیشود و تا آخر جلسه

فرصت دارید جنابعالی که نظرتان را بدهید آقای

قسقائی

خسرو قشقائی - بنده از روز پنجشنبه

گذشته یکماه مرخصی دارم برای مسافرت

و چون دیر آمده ام استدعا دارم این را جزو

آنمقوم بفرمائید

نایب رئیس - این دیر آمدنتان مربوط

بآن نمی شود این را جریمه میدهند و بعد

مسافرتتان را تشریف میبرید

چون نسبت بصورت جلسه آقای کریمی

تقاضای مطالعه کرده اند اعلام تصویب

نمیکند که حتی از ایشان توضیح نشود

(کریمی - متشکرم)

۲- گزارش آقای مهندس

حسینی راجع بچریان

مذاكرات نمایندگی در

کمیسیون بین

المللی نفت

نایب رئیس - چون آقای مهندس

حسینی تقاضای وقت برای دادن گزارش

راجع بمأموریت خودشان کرده اند از طرف

دیگر چند نفر از آقایان هم برای نطق

قبل از دستور ثبت نام کرده اند فکر میکنم

اگر آقایان از نطق قبل از دستور صرف

نظر بفرمایند بهتر خواهد بود (صحیح -

است) آقای مهندس حسینی بفرمائید

مهندس حسینی - جای تعجب

است که بنده دو ماه است از مسافرت بر

گشته ام و الان گزارش به مجلس تقدیم

میکند (صحیح است) علت دارد اگر بنده

یادآوری کردم که مورد اعتراض واقع

بشوم برای این بود که زمین بان علت را فراهم

کرده باشم علت اساسی این مطلب این

بود که وقتی بنده از مسافرت برگشتم

لایحه ملی شدن فلان ایران مطرح بود

و بنده بنده گفتند که این لایحه ملی

هست و تمویق این لایحه مضراست بنا بر این بنده صلاح بر این دیدم که گزارش را به بعد موکول کنم که این لایحه تمام بشود. جریانات دیگری هم پیش آمد که آقایان اطلاع دارند و حالا اجازه میخواهم گزارش این مسافرت را که بنظرم قابل اهمیت میباشد بعرض محترم آقایان برسانم مخصوصاً عده زیادی از آقایان نمایندگان بکرات به بنده تذکر دادند که بسیار لازم و ضروری است که شما مطالب مربوط به مسافرت خودتان را با اطلاع مجلس برسانید (صحیح است). قبلاً لازم است تذکر داده شود که کمیسیون نفت یکی از کمیسیونهای دفتر بین المللی کار است کمیسیون نفت جزئی است از کمیسیون صنایع، کمیسیون صنایع و وظیفه اش در کادر بین المللی رسیدگی عمومی بوضع صنایع، پیشرفتهای آمار، وضعیت کارگران و کارمندان و بخصوص ارتباط بین کارگرو کارفرما است. این وضع عمومی کمیسیون صنایع در محیط دفتر بین المللی کار است. چون وظایف این کمیسیون فوق العاده سنگین و صنایع فوق العاده متنوع بود آنرا تقسیم بکمیسیونها کرده اند که یکی از آنها کمیسیون نفت است کمیسیون نفت هر دو سال یکمرتبه تشکیل میشود و تا حال چهار کمیسیون تشکیل شده که اولیش در لوس انجلس بوده دومی و سومی در ژنو بوده و چهارمی در لاهه بوده پنجمی که دو سال دیگر پیش آمد خواهد کرد در ونزوئلا که در امریکای جنوبی و یکی از مملکت بزرگ تولید نفت است خواهد بود. در این مورد نه من داوطلب شرکت در این کمیسیون بودم نه تقریباً کاندید فقط سه روز قبل از تشکیل کمیسیون نظر باینکه يك نکات مهمی در نظر جناب آقای نخست وزیر بود و علاقمند بودند که در این کمیسیون دقت کافی بشود اینطور صلاح دانستند که به بنده مراجعه بشود و بنده هم با کسب اجازه از مجلس رفتم طول مدت این کمیسیون ۱۴ روز بیشتر نبود و بنده هم آدمی بودم که از جریانات این کمیسیونها و اینکه کارها چه جور انجام میشود، صحبتها چه جور میشود بکلی بی اطلاع بودم. البته جناب آقای دکتر عالی مخصوصاً توجه فرمودند و یکی از بهترین کارمندان وزارت کار که خوشبختانه عده شان گویا اینجا زیاد است همراه بنده تشریف آوردند که آقای دکتر بهرامی بودند و بنده از آقای دکتر عالی از این انتخاب بسیار تشکر میکنم و وجود ایشان هم برای بنده فوق العاده مفید بود و اگر ایشان نبودند بنده شاید از عهده انجام وظایفی که داشتم بر نمی آمدم علاوه بنده هم آقای مهندس خلیلی را به عنوان مشاور و کمک همراه بردم نمایندگان دولت بودیم چون باید مطالب مهمی به آقایان برسانم اگر علاقمندید توجه فرمائید.

مخصوصاً آقای نبوی که خیال میکنم بیش از همه آقایان ایشان از بنده میبوسیدند (نبوی - چشم) بهر حال این کمیسیون های صنعتی ۳ دسته نمایندند دارند، دولتها کارفرما ها و کارگروها، دولتها يك وضعیت بیطرف و میانجی دارند و در نشستن هم آن وسطی نشینند، بین آقایان نمایندگان کارفرما و کارگر نمایندگان کارگروها. فرمای ایران در قسمت کارفرما آقایان دکترو کیهان و فؤاد روحانی بودند و بنده باید این جا بخصوص از آقای فؤاد روحانی که انتخاب بسیار برازنده ای از طرف شرکت ملی نفت بونه حقیقه اظهار خرسندی بکنم برای اینکه حضور ایشان هم مثل آقای دکتر بهرامی حقیقه فوق العاده مفید بود بدون کمک آنها اگر بنده احساسات ملت ایران را در آن کمیسیون اظهار میداشتم خاک مالی شده بود آن ها باعث شدند و واقعا با راهنماییهایی که فرمودند و با کمک هائی که در تدوین نطق بنده کردند موجب شد که در نتیجه نطق بنده خیلی از نظر دولت ایران و ملت ایران برازنده باشد. بهر حال از ایشانهم تشکر میکنم. نمایندگان کارگروها آقای طاهری و آقای رحیمی بودند که اتفاقاً، اتفاقاً خیر بلکه ناچار از بهترین کارگران انتخاب شده بودند فوق العاده علاقمند به وضعیت مملکتشان بودند و در این جریانات ملی شدن نفت هم کوشش و فداکاری فوق العاده کرده بودند در هر حال این توضیحات مقدماتی بود برای اینکه آقایان از وضع این کمیسیون ها اطلاع داشته باشند. اما چطور شد که ما در آنجا توانستیم صحبت کنیم و بخصوص از ملی شدن نفت صحبت بکنیم چون این مطلب قابل توجه است حضور آقایان عرض میکنم در گزارش عمومی که قبلاً تهیه شده بود و قبلاً فرستاده شده بود ۱۶ صفحه اختصاص به ملی شدن صنعت نفت داده شده بود و توضیحات نوشته شده بود این گزارش البته تحت الامکان سعی شده بود بی طرفانه تهیه بشود ولی مسلماً دارای نواقصی بود. البته آنها با گفتند که این نواقص زائیده این است که دولت ایران برای ما چیزی نفرستاده بود ما از مدارک خارجی جمع آوری کردیم بنا بر این آقایان حدس می زنند وظیفه بنده را، وظیفه بنده این بود که موقع پیدا کنم و بنمایند گی دولت ایران این نواقص را مرتفع کنم و اصلاحاتی که لازم است در این گزارش باصطلاح مخبرین در اختیار دفتر بین المللی کار بگذارم این وظیفه هسته اساسی صحبت بنده و علل بحث ما و سایر نمایندگان کارفرما و کارگروها تشکیل می داد. اما این موضوع با وجود آن که در دستور جلسه نبود فقط جزء گزارش عمومی گذارده شده بود و موجب عدم رضایت فوق العاده کارفرما های نفت در تمام دنیا شده بود نمایندگان

تمام کار فرماهای نفت در آنجا بودند و از گذاردن این مطالب در گزارش عمومی شکایت میکردند که حتی خود داری نکردند و اعتراضاتی بدفتر بین المللی کار دادند و بگذاشتن موضوع ملی شدن نفت ایران در گزارش عمومی نامه اعتراض آمیزی نوشتند. اول نامه اعتراض آمیز خیلی سخت بود و خواسته بودند از طرف کار فرماها با اتفاق آراء بفرستند ولی البته آقای فؤاد روحانی از طرف ایران و کار فرماهای مکزیک که نهایت علاقه رانسبت به وضعیت ماداشتنند چون خودشان در سال ۱۹۳۸ از همیز وضعیت هاجبور کرده اند این ها با این امر مخالفت کردند بنا بر این این اعتراض بطور اتفاق آراء صورت نگرفت، آقایان البته توجه می فرمائید که همه کوشش هاشد برای اینکه يك کاری بکنند که این مطلب از دستور خارج بشود و نمایندگان ایران به هیچ وجه در این مجمع که تمام دولی که نفت دارند و تمام کارگران نفت و تمام صاحبکارهای ملی کارفرما. بیان نفت حضور دارند مطالبی در موضوع ملی شدن نفت نگویند ولی متأسفانه برای آنها و خوشبختانه برای ما توفیقی پیدا نکردند و بنده هم اجازه خواستم برای اینکه در اصلاح گزارش و توضیحاتی که لازم است مطالبی بعرض کمیسیون بین المللی برسانم و آقایان توجه می فرمایند که این کمیسیون يك کمیسیون فنی است و مطالبی که جنبه سیاسی می توانستند به آن بچسبانند اگر بنده ضمن صحبت خودم وارد میکردم بهترین وسیله بود برای رئیس کمیسیون که صحبت بنده را متوقف کند و آرزوی دیگران با اصطلاح تأمین بشود. بنا بر این در تهیه نطق فوق العاده دقت شد که مطلبی که ممکن است بهانه دست آویزی بدهد که ما را از صحبت محروم بکنند پیدا نشود البته کار بسیار مشکلی بود ولی به مدد الله در این قسمت با کمک آقای فؤاد روحانی و آقای دکتر بهرامی موفقیت حاصل شد، برای اینکه بنده مطالب اساسی را که آنجا تذکر داده بودم علتش را حضور آقایان عرض کرده باشم و توجه آقایان با اهمیت مطالبی که گفته شد جلب شده باشد اول عرض میکنم که گزارشی که در کمیسیون نفت داده شده بود چه نواقصی داشت. در این گزارش عمومی اولاً مطالب غلطی را نوشته بودند که برای ما اهمیت حیاتی داشت یکی این بود که اولاً نوشته بودند ایران باعث توقف جریان نفت بظرف دنیای آزاد شده و در اثر ملی شدن و سرسختی ایران جریان نفت متوقف شده و ما را مسئول این امر تشخیص داده بودند و دوم اینکه تشخیص داده بودند پس از اینکه نفت ملی شده و این صنعت تعطیل گردیده کارگران نفت ایران بیچاره و بدبخت شده اند و البته این گفته يك تبلیغات سوئی از نظر ایران است که لازم بود این مطالب توضیح

بشود و حقایق گفته بشود. نقص در هم که در ضمن گزارش وجود داشت بود که جریان را تا آخر آمدن نمایندگان بین المللی توضیح داده بودند یعنی چرا کامل نبود و در آن قسمتی هم که جریانات نوشته بودند البته مثل این بود که يك عکس آدمی را بکشند اما آن روح و حس استمداد و توانائی آن آدم دیگر بهیچ در گزارش منعکس نبود یعنی حقایق نبودند و ظاهر قضایا البته بود که کمی هم مست بود پس وظایف ما اول بر طرف کردن تبلیغات سوء بود و ثانیاً دادن يك توضیح صحیح. اما در زمینه تبلیغات سوء ضمن گزارش با اطلاع کمیسیون رسانیده شد بعد از اینکه نفت ملی شد دولت ایران کرد که شاید رسید بدهید و نفت را کس می دهد بدهید ولی انگلیس ها دادن رسید نشدند و در نتیجه ندادند که نشناختن حق ایران بود دولت مجبور شد از آنها بطور قطعی رسید بدهد و چون آنها رسید ندادند جریان نفت خودشان متوقف کردند بعد هم کارشان حاضر نشدند با شرایط خوبی که آنها عرضه می داشت در خدمت ایران بنا بر این جواز اقامت آنها هم باطل مجبور شدند که از ایران بروند پس این نظر توقف صنایع نفت. اما از نظر وضع کار اطلاع بآنان داده شد که حالا کار شرکت نفت ملی ایران تمام حقوق را دریافت میکنند و دولت ایران ماهیانه بیش از ده میلیون تومان ببودجه شرکت ملی نفت کمک میکنند تغییر از نظر کارگری حاصل نشده بهبودی در وضع آنها پیدا شده دولت ایران چند هزار خانه در دست ساخت دارد منازل را تمام کرده و چندین مرکز خانه در دست ساختمان است از حیث منازل از حیث بهداشت و مخصوصاً از حیث دور شدن اجانب کارگران ایران خوشبخت و خوش هستند زیرا کارگران ایران دیگر کار انگلیسی را نمی بینند که بالای سرشان يك آقا بایستد و نسبت بآنها تبعیض رفتاری و اهانت بکنند. امروز برادران ایران خودشان را می بینند و بایک امید فوق العاده زیادی بآینده نگاه می کنند برای این مطمئن هستند که يك وضع خوب و شرافتمند برای مملکت ایجاد خواهد شد و هم خودشان وضع بهتری حاصل خواهد خلاصه این جریانات با ارقام و اعداد با اطلاع کمیسیون نفت رسید. اما از نظر سیاسی گزار این نکته اساسی در کمیسیون نفت گفته که از کمیسیون چکس که بایران آمد و جنبه اهریمن و استوکی و بددنیائی بین المللی از اینها پیش نهاداتی کردند که لایحه ها داشتند بدتر بود. این حقیقت بهیچ وجه در انعکاس نبود و جوری نشان داده شده

ایران بی ربط اشکال تراشی میکند می خواهد که نفتش به ممالک مصرف کننده برسد و می خواهد بلوک غربی را بفکند این روح آن گزارش بود ما نشان دادیم که این گزارشها صحیح است و هر یک از میسیونها که آمدند نسبت به سیون سابق در واقع عقب نشینی کردند شرایط بدتری را پیشنهاد کردند باین جهت نتوانست دولت ایران پیشنهادات آنها را قبول کند مخصوصاً وقتی که بانک بین المللی آمد و پیشنهاداتی را بمانتاسلیم داد منظور اصلی از این پیشنهاد فقط آن بود که با آن تصمیمی را که دیوان المصلی لاهه گرفته بود راجع به مزور- پرواتور (Mesure Conservateur) اصلاح حقوقش جناب آقای دکتر شایگان است؟ (دکتر شایگان- قرار تأمین) از تأمین را در واقع عملاً اجرا کند یعنی دستگاه خارجی بیاید در ایران نفت را بر بهره برداری بکند و تصفیه خانه های آنرا در کنترل خودش بگیرد و تادوسال برود در همان مدتی که در واقع دیوان مصلی لاهه امیدوار بود که قضیه حل بشود بنا- بر این تذکر دادیم که قصد و منظور اساسی تمام این پیشنهادات بازی دادن ایران آنلاف وقت ایران بود به امید اینکه فشار اقتصادی ایران را از پای در آورد و بالاخره نظریاتی که انگلیسها در ایران داشتند ملایم شود یک قسمت دیگر توضیحات هم تکمیل جریاناتی بود که در گزارش ذکر شده بود زیرا گزارش به بانک بین المللی متوقف می شد و طرح چرچیل ترومن ابداً در آن قید نشده بود بنابراین توضیح این مطالب داده شد و مخصوصاً این نکته اساسی تذکر داده شد که در پیشنهاد مشترکی که چرچیل و ترومن دادند هدفشان در واقع این بود که در لفافه عبارت موضوع غرامت را بصورتی در واقع عرضه بدارند که نتیجه اش برای ایران در واقع بدتر از قرار داد ۱۹۳۳ بود چرا؟ برای اینکه این جا نوشته بودند که رسیدگی بفرامت بلافاصله بر اساس وضعیت حقوقی موجود قبل از ملی شدن صنعت نفت یعنی قرارداد باطل ۱۹۳۳ بقوت خودش باقی باشد قرارداد ۱۹۳۳ بشرکت سابق نفت انگلیس و ایران اجازه می داد که تا پنجاه سال دیگر سالی صد هاد میلیون لیره از این مملکت چپاول بکنند آن قرارداد نتیجه اش این بود آنها میخواستند فرامت خودشان را بروی این اساس تأمین بکنند فرامت بنظر آنها مرکب از دو رقم است مایملک شرکت در ایران و منافع از دست رفته برای مدت چهار سال باقی مانده البته اگر دولت ایران گول خورده بود و این فرمول را قبول کرده بود نتیجه اش این بود که با دست خودش کار می کرد و زحمت می کشید عرق میریخت و یک نتیجه ای داشت که از نتیجه قرارداد ۱۹۳۳ عملاً بهتر

نبود و دوم مطلبی که در آنجا لازم بود که با اطلاع کمیسیون برسد این بود که انگلیسها خواهان این نیستند که طبق قوانین بین المللی بمحاکم ایران مراجعه کنند و حال آنکه طبق رای دیوان لاهه تنها محاکم صلاحیتدار محاکم ایران هستند ولی انگلیسها خواهان آن نیستند و بهانه حکمیت بین المللی می خواهند شرایط نا- مطلوبی بایران تحمیل کنند باید اینجا حضور آقایان توضیح عرض کنم که انگلیسها یعنی شرکت نفت انگلیس و ایران در بیان خودش همیشه تقلب کرده (صحیح است) هیچ زمان ملت ایران با وجود اینکه هم حق داشته و هم مایل بوده که رسیدگی بکند ابداً نگذاشتند نسبت به بیان شرکت رسیدگی بکنند شرکت هر چه خواسته کرده هر چه خواسته تری بیانش آورده هر چه خواسته بایران داده و گفته طبق قرار داد این مبلغ بشما تعلق می گیرد و هیچوقت با اعتراضاتی که دولت ایران قبل از ملی شدن صنعت نفت کرده بود قوی نگذاشته روی همین اساس بود که شرکت نفت انگلیس و ایران هیچوقت این قرار داد مخدوش و مضر برای ایران و مفید برای شرکت سابق را هم حتی مراعات نکرده بهر حال روی این نکات و بهمین دلیل دولت انگلیس و شرکت نفت خوا ان نیستند که پرونده شرکت نفت در محاکم بین المللی یا در محکمه یک ملتی رسیدگی بشود آقایان اطلاع دارند که در موقع دعوی ترنت های امریکائی که مدارک شرکت سابق نفت ایران و انگلیس را خواسته اند شرکت سابق و دولت انگلیس از تسلیم مدارک خود- داری کرده اند فعل و انفعالات سیاسی هم منتهی باین شد که یک قاضی این صدا را در آورده و گفته بله آقا انگلیس ها حق دارند که مدارکشان را ندهند این مطالب را از این جهت عرض کردم که بدانید آنها چقدر گریزان و چقدر نگران از این هستند که مدارک شرکت سابق نفت را در اختیار محاکم بگذارند در همان پیشنهاد چرچیل ترومن اظهار می شود و نوشته می شود که ایران حکمیت قبول بکند حکمیتش هم حکمیت دیوان لاهه بصورت یک محکمه نیست او یک حکمیتی می خواهد که دوسه نفر آدم جمع بشوند آنجا بنشینند بدون اینکه به مدارک مراجعه بکنند روی یک کلیاتی یک عددی بیاورند روی کاغذ و ملت ایران مجبور باشد آن عدد را قبول کند آقایان باز مطلع هستند که در روزنامه ها نوشته می شود که بین سران دولت امریکا و انگلیس صحبت شده و می خواهند یک عدد کلی راجع بفرامت شرکت نفت تعیین کنند باز هدف این قضیه و علت اساسی و پایه این طلب متکی به این است که شرکت نفت و دولت انگلیس می- دانند که اگر مدارک آنها در محاکم مطرح بشود اعم از محاکم بین المللی یا محاکم

ایران هیچ آبرویی برای آنها از نقلیاتی که مرتکب شده اند باقی نخواهد ماند بنابراین بهر قیمتی است بنده اطمینان دارم تا آخر آنها میگویند حکمیت حکمیت است حکمیت هم بوسیله یک نفر باشد کلاهشان را می اندازند آسمان اگر بوسیله سه نفر هم باشد امید هائی دارند که بالاخره در حکمیت نمی توانند وارد جزئیات بشوند روی کلیات می نشینند یک عددی می دهند حالا هر چه می خواهد باشد ممکن است کم یا زیاد باشد قضیه را می برند و تمام می شود بهمین دلیل دولت ایران باید از حکمیت اصولاً گریزان باشد بهمین دلیل هم بود که دولت ایران در جواب شرکت گفت من قضاوت دیوان را قبول می کنم بجای قضاوت محاکم ایران ولی اگر شما می خواهید من قضاوت دیوان را قبول کنم باید حدود آن مطالب و اصولیکه در آن محکمه که صلاحیت ندارد و شما از من میخواهید که صلاحیتش را قبول بکنم قبلاً مشخص و محدود بشود آنوقت من قضاوت دیوان را قبول می کنم اما انگلیسها نتوانستند حاضر بشوند چون نکته اساسی نظر آنها این است که آنها حاضر بقضاوت نیستند آنها یک حکمیت خصوصی بوسیله چند نفر را می خواهند بنابراین دولت ایران خوبست متوجه باشد که حکمیت یک آتومی است که اگر بخواهد قبول بکند باید در ازایش شرایط خودش را تحمیل بکند یعنی شرایط حق خودش را ، ما هیچوقت زور نگفته ایم زور نمی گوئیم و زور هم نخواهیم گفت ولی می خواهیم که حقمان هم که حق ملت ایران است و حق یک ملت چهل ساله مستمیده- ایست پایمال نشود بنابراین ما اصولاً نباید حکمیت را قبول بکنیم قضاوت را باید قبول بکنیم قضاوت اصولاً قضاوت محاکم ایران است و اگر قضاوت محاکم ایران را نمی خواهند باید قضاوت دیوان بین المللی را قبول کرد که بیطرف است ولی باید قضاوت را رسید و اگر رسیدگی بخواهند باید مطالب ما را قبول بکنند و بر این اساس ما حاضریم که اقدام بکنیم بهر حال این مطالب در آنجا بقدر کافی تذکر داده شد مسلماً لازم بود که کمیسیون بین المللی نفت بداند که چرا ملت ایران اقدام به ملی کردن صنعت نفت کرد و ضمناً اهدادی در آنجا داده شد چون میدانم این اعداد هیچوقت در اینجا داده نشده من دلم میخواست در پشت تریبون مجلس این اعداد را گفته باشم آنجا تذکر داده شد که شرکت نفت در عرض پنجاه سال که ده سال اکتشاف کرده و چهل سال هم نفت از ایران برده دو هزار و پانصد میلیون بارل نفت از ایران برده برای این ۲۵۰۰ میلیون بارل ۱۱۰ میلیون لیره بایران داده شده یعنی برای هر بارل نفت ۱۴ سنت امریکائی یا هر بارل نفت یک شلینگ و اگر به تن صحبت کنیم برای هر تن

۷ شلینگ یا یک دلار و حال آنکه قیمت متوسط نفتی که از ایران صادر می شود حداقل هر تن ۲۵ دلار بوده و بنا بر تن یک دلار داده اند البته این اعداد موجب اعجاب یعنی تعجب تمام شنوندگان کمیسیون نفت شد برای اینکه این حقایق را اطلاع نداشتند خیال میکردند ما یک پول فوق العاده ای از آنها گرفته ایم و ملت نمک ناشناسی هستیم یا آنها وضعیت کارگران مارا خوب کرده اند و ما نمک ناشناسی میکنیم البته با آنها تذکر داده شد که هشتاد درصد کارگران شرکت نفت ایران در جنوب منزل ندارند و حال آنکه این همه مجبور بوده اند برای نفت در آبادان اقامت بکنند برای هر صد و پنجاه نفر یک تخت بیمار بوده تازه آن تخت خواب هم در استفاده شان نبوده و غیره و غیره این مطالب را البته تذکر دادم این جریان قضایا بود از نظر توضیحاتیکه در آنجا داده شد و مربوط به خود ایران اما آقایان ملت ایران که زجر و صدمه فوق العاده زیادی از این موضوع نفت کشیده بود علاقمند بود که تجربیات خود را در اختیار دولتهای دیگری که امروز نفتشان را دارند می برند قرار بدهد و با اطلاع آنها برساند که از چه اجتناب کنند و بطرف حق بروند برای اینکه هدف ایران تنها در آوردن سهم خودش از توی آتش نبوده است ملت ایران خواهان آزادی و استقلال و تمامیت ارضی و اقتصادی ممالک همجوار و سایر کشور- های دنیا هم هست که ما محترم می شماریم و علاقمند هستیم که تمام ملتها خوشبخت باشند این مطلب بنظر بنده دارای اهمیت فوق العاده ای است و تقاضا میکنم از همه آقایان باین مطلب توجه فرمایند آقایان ملاحظه فرمایند شرکت نفت با ملت ایران چه کرد شرکت نفت آمدن نفت مارا برد ما کم بود داد بسیار خوب اینها گذشته است حرفی نزدیم ولی یک گناه بزرگتری مرتکب شده است که این مطلب توجه را جلب نکرده و از بسکه مهم بود توجه را جلب نکرده این مطلب از ابتدای جنگ پیدا شده برای اینکه بکارگر مزد را کم بدهد البته مجبور است یک موازینی را برای مزد تعیین بکند مگر بگوید یک کارگر یک زن دارد و دو تا بچه دارد بطور متوسط با مزدش باید آقدر نان بخورد آقدر گوشت بخورد آقدر روغن و پنیر بخورد آقدر سبزی بخورد و بنا بر این باید در روز اینقدر مزد بگیرد که بتواند کار کند این کار را البته شرکت سابق کرده ولی با مهارت خاصی آمده مواد مهم و ضروری کارگرش را از خارج آورده و قیمت ارز آن ترا قیمت بازار ایران در اختیار کارگزارش گذاشته البته هر چه ما بگوئیم که آقا مزد اینها کم است مزد اینها نسبت بکارگران دخیانیات و کارگران راه آهن که حتی دولت ضرر میکند ولی مزدشان را

میدهدم کمتر است. هر چه ما میگوئیم که مزد اینها کم است او میگوید بله من مواد غذایی را با آنها ارزاتر می‌دهم این را راست هم میگوید آنوقت میگوید پس وضعیت کارگرهای من با کارگرهای دیگر مساویست نکته اساسی این است که تقاضا دارم آقایان عنایت بفرمایند، وقتی آمدند محصولات مهم برای مصرف هفتاد هزار نفر کارگر که بامن تبعشان دوست سیصد هزار نفر چهارصد هزار نفر را نان می‌دهند و به تبخ اینها زندگی میکنند آمدند ما بخواهیم زندگی آنها را از خارج آوردند و بقیمت ارزاتر فروختند معنی اش این است که تمام تولید داخلی کشور بکلی فلج میشود نتیجه اش این است تمام تولید داخلی این کشور بکلی متوقف می‌شود همانطور هم شده نتیجه این هنر انگلیسی در جنوب ایران و نخریدن مواد لازم از بازار داخلی این شد که جنوب ایران تبدیل بیک پارچه صحرائی برهوت شده است هیچ چیزی تولید نشده و نمیتواند هم تولید بشود چرا؟ برای اینکه تولید برای مصرف هست اگر مصرف از زمان تر در اختیار کسی گذاشتند وطن بی‌پرستی و اینها که ما امروز فکر میکنیم در موقع خرید جنس با قیمت ارزاتر حرف است نتیجه این شده که جنوب ایران تبدیل بیک پارچه مرده شده اینها بزرگترین ضرری است که شرکت نفت بملت ایران زده و این ضرر نه تنها امروز برای تمام دنیا اینکار را کرده اند در روز و تلاش کت های نفت مزدهای خیلی خیلی عالی میدهند یا نژده دلار بطور متوسط در روز مزد میدهند که یکدومش صرف بهداشت و مدرسه و خانه و نصف دیگرش برای غذای روزانه کارگراست ولی در ازاء آن سطح زندگی در آنجا دو برابر زندگی در آمریکا است شیرینی کمبوت، خوراکی، لباس همه اش از خارج می‌آید نتیجه اش این است که میگویند (وزوئلا بدبخت) راین عبارت صحیح است آقایان امروز مردم و نژوئلا روی این منابع طلا نشسته اند و دارند هشتاد میلیون تن نفت یعنی منابع طلایش را می‌برند و سیصد، چهارصد میلیون دلار پول بهش میدهند و اما آخر سال که حساب کنید نه یک مثقال مواد غذایی نه لباس و خوراک در مملکت تهیه شده نتیجه این است که اگر یک کاتاستروفی یک پیش آمد سختی اتفاق افتاد و نژوئلا از منابعش بیک دلیلی محروم شد ملت و نژوئلا دولت و نژوئلا همه شان بایستی از گرسنگی بمیرند این یک ضرر بزرگ شرکت های نفت است الان در عربستان سعودی در عراق و بحرین و غیره در همه اینها این کار را می‌کنند تولید را از بین می‌برند با آوردن مواد ارزاتر تولید مملکت را از بین می‌برند وقتی تولید را از بین بردند مملکت اسیر آنهاست که این پول را از آنها بگیرد و زندگانی کند و اگر جنگی اتفاق افتاد کاتاستروفی در جهان پیش آمد اینها

نفتشان از دستشان رفت اینها باید دستشان را بگذارند روی دستشان و از گرسنگی بمیرند بنابراین وظیفه ایران این بود که این نکته را تمام ممالکی که نفت دارند تذکر بدهد و از کمسیون نفت هم تقاضا کند که این نکته را مورد توجه قرار بدهد. از ممالک دولتها ما تقاضا کردیم که آقا بیدار باشید محصولات و عوائد نفتتان را مصرف توسعه مملکت بکنید نه صرف خریدن غذا و ما بخواهیم از کمسیون نفت هم ما تقاضا کردیم که آقایان کارگرانی که برای زندگانی امروزشان شما بحث میکنید و می‌آئید برای دادن بکفران اضافه مزدشان اینقدر داد و بیداد راه می‌اندازید فکر ده سال دیگر این کارگرها را بکنید این کارگرها اگر نفت کم شد تمام شد بیک اتفاق دنیائی مانع صدور نفت شد تمام این کارگرها بایستی از گرسنگی بمیرند اگر شما راست می‌گوئید اگر شما طرفدار کارگر بمعنای واقعی هستید اگر شما علاقمند بمنافع افرادتان هستید باین نکته اهمیت بدهید و منافع نفتتان را بمصرف تولید نان برسانید. برای اینکه تولید ریشه دار باشد باید قدغن کنید که کمیانی های نفت مواد لازم خوراکی و پوشاکی را از خارج نیاورند، کاری که تمام این شرکت های نفت می‌کنند این است و این بزرگترین خطری است که ممالک نفتخیز را تهدید میکند. و نژوئلا ۸۰ میلیون تن نفت تولید میکند از بدبخت ترین ممالک دنیا است نود و پنج درصد از بودجه و نژوئلا از عوائد نفت است ببینید اگر نفت تولیدش نصف بشود آن بدبخت چه خواهد کرد آذوقه ندارد نان ندارد دولتش هیچ ندارد و شرکت های بزرگ نفت یکی از سیاستهایشان این است که وقتی می‌خواهند پول بدهند اینجوری پول می‌دهند مثل ریک پول میدهند و مثل ریک هم پس میگیرند ظاهرش درست می‌کنند همه هم خوشحال هستند ولی همه را پس می‌گیرند. ما این افتخار را داشتیم و نماینده ایران دارای این افتخار بود که این نکته اساسی را در کمسیون نفت مطرح بکنند ما امیدواریم که در دوره های دیگر هم نمایندگان ایران که میروند این موضوع را تعقیب کنند و انشاء الله یک فکر دنیائی کردیم و این فکر دنیائی را باید تعقیب کرد بهر حال مطالب بقدر کفایت در این زمینه حضور آقایان عرض شد البته انگلیس ها سعی کردند که باین گزارش جواب بدهند جواب خودشان را مستقیماً ندادند و آنجائی که خواستند با فحش بدهند توسط نمایندگان کانادا و نژوئلا چون از این ستاره های طفیلی زیاد دارند آقای هورنر نماینده کانادا آنجا بلند شد و با کمال قشنگی هر چه خواست گفت اظهاراتش در اول خیلی بچگانه بود بنده بعضی اینک شروع کرد اعتراض کردم و گفتم حق جواب باین

اظهارات غلط را محفوظ می‌دارم بعد از این که صحبت ایشان تمام شد نماینده وزارت کار آقای دکتر بهرامی برای همانروز بعد از ظهر نشست و جواب را تهیه کرد و جواب بسیار زیبایی تهیه کرد که من نمی‌خواهم با خواندن تمام آن وقت آقایان را بگیرم فقط خلاصه اش را برای آقایان می‌خوانم تأثیر آن زیاد بود بطوریکه مامورد واقماً تبریک و تهنیت تمام نمایندگان دول قرار گرفتیم فرانسه خوب، تلفظ خوب مطالب خوب تأثیرش فوق العاده بود (بعضی از نمایندگان قرائت بفرمائید) بنده یکی دو نکته اش را اگر اجازه بفرمائید قرائت می‌کنم چیزی نیست کم است

نایب رئیس - قسمتاً لازمش را بخوانید.

مهندس حسینی - خیلی خلاصه است مطالب ایشان تقریباً شاید ۳ یا ۴ صفحه بوده است که درده سطر خلاصه شده «مطالب و مندرجات گزارش کمسیون سازمان در بسیاری از قسمت ها بهیچوجه مورد تأیید و تصدیق دولت ایران نبوده و نیست حتی اعتراض ایران بمندرجات آن در طی تذکرات کمسیون سابق با اطلاع نمایندگان رسیده بود علاوه بر این حتی در همین گزارش مطالبی است که قصور شرکت سابق را بخوبی ثابت می‌کند و آقای هورنر دلمان نماینده سابق کانادا ذکر می‌نکرد از جمله در خصوص کمبود جا و منزل و عدم کفایت وسائل صحی و نواقص وضع کارگران مقاطعه کاران و نکات دیگر اشاراتی در گزارش شده که بطور واضح نشان می‌دهد که شرکت بتعهدات قانونی و اخلاقی خود عمل ننموده» این مطلب خلاصه ای که اینجا عرض شد با عدد و رقم و بایک بیان فوق العاده زیبا بیان شد که مورد توجه تمام طبقات نمایندگان قرار گرفت بعد از اینکه این جواب داده شد آقای سونال که یکی از مأمورین سابق شرکت نفت بود بایک بیان اهانت آمیزی سعی کرد که بگوید بنده چون در جنوب نبودم این صحبت هائی که میکنم و حرف هائی که زدم همه اش حرف های يك آدم بی اطلاعی است و مخصوصاً اشاره کرد که بین نمایندگان ایران کسانی هستند که از قدیم در جنوب بوده اند از آنها شهادت میطلبم که حرف های آقای مهندس حسینی با حقیقت وفق نمیدهد و در انتهای گزارش هم اضافه کرد که يك دیوانه ای سنگی در چاه انداخت و امیدواریم که آقای مهندس حسینی از آن صدعافلی باشند که می‌خواهند سنگ را از چاه در آورند. البته این ضرب المثل را هم از زبان ایرانی گرفت و تحویل ماداد بنده خوشوقت که يك اشخاصی مثل آقای فواد روحانی همراهِ کمسیون بودند بنده از ایشان تقاضا کردم و ایشان هم مسلماً قصد جواب داشتند جواب ایشان هم بسیار ارزنده بود در انتهای

جوابشان که خلاصه اش این جا هست روزنامه هاهم داده میشود ایشان در جوابشان فرمودند آقای سونال راجع ضرب المثل ایرانی صحبت کردند این ضرب المثل ایرانی میدانید در انگلیسی هم ما آجر بچاه انداختن یعنی کار احمقانه کرد ایشان گفتند که میخواهیم بدانم که کسی که آجر را بچاه انداخته چه کرده؟ البته این ضرب المثل را بانگلیسی نهایت ظرافت که نماینده احساسات ایران است ایشان در جواب گفتند ضرب المثل دیگری از زبان فارسی و این بود که آقایان انگلیسها باید بدانند دنیا باید بداند که آب رفته بجوی بر نمیزرد بسیار خوب بنده حقیقه سر بلند بودم که اینک وارد در انتخاب این اشخاص با خدائی بود که نمایندگان ایران اشخاص وطن پرست و شرافتمند و لایقی بودند که به بهترین وجهی این وظیفه تبلیغاتی که با میلیونها دلار میسر نبود میسر کردند من از آقای فواد روحانی و آقای دکتر بهرامی و نماینده کارگر آقای طاهری غیره همه شان تشکر می‌کنم که بما گفتند آقایان اغراق نیست عین حقیقت است گفتند که ظرافت بایرانی کسی نمی‌تواند یاد دنیا می‌داند که کسی نمیتواند بایرانی ظرافت یاد بدهد و اظهار محبت دیگری که از کمسیون ما دریافت داشتیم این بود که همگام متفق القول بودند که تمام اعضای کمسیون ایران با نهایت برازندگی وظیفه شان را انجام دادند و از بهترین کمسیونها بودند بنده این دو قسمت را که بعرض میرسانم نه برای خودم است بنده کوچکتر از اینها هستم منظورم این بود که تذکر بدهم آقا این افراد بیکه در این مملکت هستند بدلیل اینکه یکروز مستخدم انگلیسها بوده اند و برای آنها خوب کار میکرده اند نباید گفت همه اینها خائن اند آقای فواد روحانی يك جوان برازنده ایست که تمام قوائیکه جمع کرده بود برای دانستن زبان ماشین نویسی زبان کردن مطلب و فارسی دانستن و ادیب بودن اینها را در يك نطق خودش جمع کرد این کمک کرد که نطق من برازنده باشد خودش هم نطق برازنده ای کرد این اسباب سر بلند ایران است (صحیح است) شما را بخوانم اگر بخوایم دستگاههای مملکت حفظ بشود باشخاص با ارزشان تهمت نزنید (صحیح است) آقا ایرانی يك خاصیت بزرگ دارد آن خاصیت ایرانی این است که خون ایرانی شرف دارد معال است بگوئید ایرانی خائن است آقا عددی خیلی متعدد و یکی دو تا را بگذارید بکنار در هر جا هستند ولی نگوئید هر کس در شرکت نفت شخصیت دارد نو که انگلیسهاست نگوئید بخدا قسم اگر این را بگوئیم مملکت متلاشی میشود من این ها را مجبور عرض کنم که آقا اینها که میگفت

که فقط متوقف شده است اینها که امید نداشتند ما که بتوانیم توزیع نفت را اداره کنیم اینها باید بداند که مهندسین با شرف و برجسته ایران بزرگترین بنچها بنج ۷۵ را دو ماه بعد از رفتن انگلیسها بکار انداختند این افتخار آقای دکتر فلاح است این کار ارزش دارد این شخص ارزش دارد و ما باید برادران ایرانی خودمان را کوچک کنیم آقا مگر نمیگفتند در سه سال قبل که هیچ کس نیست که بتواند نفت ایران را اداره کند و منم اگر حرف میزدیم میگفتند که عامل خارجی است این رویه بزرگترین و مضرتترین رویههاست شما را بخدا برادرانتان بدنگوید که همه چیز خودتان را از دست میدهند البته اشخاص بد هستند ولی اینطور هم که نسبت می دهند نیست با این تهمتهای ناروا بمنکت ضرر میزنیم ما نفت را ملی کردیم و توزیع را تأمین کردیم و تصفیه خانه کرمانشاه را ظرفیتش را مضاعف کردیم در آذربایجان و کرمان دو استان مهم ایران که در آنجا نفت بوسیله ظرف توزیع می شد دولت ایران موفق شد که توزیع بدون ظرف را عملی کنند و در آذربایجان الان براه افتاده و در کرمان هم البته براه خواهد افتاد البته تمام این توضیحات با اطلاع کمسیون نفت رسید و برخلاف پروپاگاندا که انگلیسها کرده بودند که ایرانها قادر نیستند کاری بکنند ما با آنها با غد و رقم و مدرک ثابت کردیم که ما این کارها را کرده ایم. یک مطلب دیگر هم لازم است حضور آقایان عرض کنم آقایان انگلیسها گفته بودند که حسبی یک آدم دیوانه ای است یک آدم بسیار خشنی است اگر به او اجازه صحبت بدهید جلسه را بهم میزند ولی بعد از اینکه من صحبت را کردم البته انتظار داشتند که بنحوی بنده را متوقف کنند در گزارشی که برای شرکت ملی نفت فرستاده شده بود و مطالب از زبان اشخاص مختلف نوشته شده، گفته بودند که فلانی این حرف را زده بود انتظار داشتیم که ایشان یک مرد خشن بدزبانی باشند ولی دیدیم که خیر یک مطالبی داشتند که بسیار معقول و عالی بود و مطالبی که گفتند بسیار جابج توجه کرد و دلیلش هم سکوتی بود که در موقع ایراد این نطق بطور استثناء در جلسه حکمفرما بود و تمام نمایندگان در جلسه بودند و تمام صندلیها از تماشاچی و روزنامه نگار پر بود آن روزی که قرار بود این مطالب را بنده عرض کمسیون برسانم خارجی های پروپاگاندا کرده بودند همه جور وسیله دارند در خارج گفته بودند اینها دیوانه اند اینها خشن هستند اینها غیر معقولند ولی الحمد لله وسیله طوری فراهم شد که خلاف این مطلب را برای آنها ثابت کرد و مخصوصاً به آنها ثابت کرد که این پروپاگاندا انگلیسهاست که ما را اینقدر بدنام و کوچک معرفی می کنند و در حقیقت

ما باین بی زبانی و کوچکی که آن می خواهند بگویند نیستیم بهر حال این جریان قضایا و این حقایق استفاده ای بود که ما توانستیم از این میسیون بکنیم در خانه پایستی عرض کنم که این کمسیون چهارده روز بیشتر طول نکشید و ما ۱۶ روز فوق العاده دولت را از این نظر مقصوف کردیم شاید در حدود ۱۵۰۰ یا ۱۶۰۰ دلار بیشتر مخارج نداشتیم البته با استثنای کرایه رفت و آمد ولی نتیجه اش بنظر من مبله نه دلار از برای ملت ایران ارزش داشت باور بفرمائید گزارشهای ما وقتیکه بلی کبی میشد هفته آمده بودند از ما کبیهای متعددی میخواستند و آنها تیکه زبان اسپانیولی داشتند از ما میخواستند که اسپانیولیش را هم ما کبی کنیم و در اختیار آنها بگذاریم و البته از لحاظ اثری بود که آنها برایش قائل بودند بعد دستور به بنده رسید که با جناب آقای مکی در هامبورگ ملاقات بکنم و بتهران برنگردم بنده مجبور شدم از یاریس که میخواستم حرکت کنم طیاره ام را سفارشش را پس بگیرم و بروم به هامبورگ آنجا با آقای مکی ملاقات کردم البته آنجا هم مطالبی راجع به فروش نفت بود ولی مطالب قابل نبود یعنی مطالبی نیست که اینجا بعرض آقایان برسانم اگر نتیجه ای داشت در موقعش البته بعرضتان خواهم رسانید بهر حال این جریان مطالب بود چون صحبتیم یک قدری بطول انجامید یک مطالب مهمی دارم که دوسه روز دیگر از نطق قبل از دستور استفاده خواهم کرد و بعرض آقایان خواهم رسانید ولی حالا از موقع استفاده میکنم و یک طوماری هست راجع به مال الاجارهها از دولت تقاضا کرده اند که نسبت به مال الاجاره یک فکری بکنند برای اینکه حقیقه یک عملی است که از نظر هزینه زندگی خیلی اهمیت دارد و یک طومار دیگر هم بوسیله جناب آقای میلانی رسیده است (یکی از نمایندگان) آقای مدرس داده اند آقای مدرس راجع به چه بود؟ (خلخالی) آقای مدرس خودشان نیستند (بسیار خوب) تقدیم میکنم و خیلی معذرت می خواهم (نمایندگان - بسیار خوب احسن - احسن)

۳- بیانات آقای وزیر کار راجع بحریان کنفرانس بین المللی نفت

نایب رئیس - آقای وزیر کار فرمایشی داشتید بفرمائید.
وزیر کار (آقای دکتر عالی) - تمام مطالب راجع بحریان کنفرانس بین المللی نفت را جناب آقای مهندس حسبی بعرض آقایان رسانیدند و راجع به اصل مطلب بنده عرضی ندارم که اظهار بکنم این میسیون ایران به بهترین وجهی حقانیت ملت ایران را در ملی کردن صنعت نفت برای مرتبه دوم در این کنفرانس

بین المللی در لاهه بسمیع جهان بیان رسانید و نکات مهم و بسیار دقیق در این کنفرانس بتوسط هیئت نمایندگی ایران روشن شد نه تنها اهمیت ملی شدن نفت از نظر ایران در کنفرانس بیان شد بلکه همانطور که جناب آقای مهندس حسبی فرمودند یک کشور - های دیگر دنیا هم مدال شد که عمل شرکتهای نفت تا چه اندازه اگر بظاهراً ایجاد یک نوع رفاه اقتصادی میکند در واقع و در معنی تا چه اندازه بزبان این کشورها تمام میشود (صحیح است) و آن پولینگه اندک از حق قانونی بکشورهای صاحب صنایع عاید میشود اگر از یک دست داده میشود از دست دیگر گرفته می شود و یک تعادل ناپایدار موقت و مصنوعی بوجود میآید که در هر وقت که بهره برداری از منابع نفت بهلمتی پایان پذیرد وضع اقتصادی کشورهایی که روی نفت زندگی می کنند دچار یک مخاطره عظیم خواهد شد راجع به این مسائل بنده عرض کردم که چیزی اضافه نمیکنم فقط این نکته را بعرض آقایان میرسانم که در بیان جناب آقای مهندس حسبی یک نکته فوت شد البته در شأن ایشان نبوده که از زحماتی که کشیده اند اینجا مطالبی بیان کنند بنده باید عرض کنم که شخصیت ایشان و زحمات و فداکاریهایی که ایشان کردند و زحمات شبانه روزی آقای مهندس حسبی در ۱۴ روز کنفرانس یکی از عوامل مؤثر موفقیت میسیون ایران بود بنده وظیفه خود میدانم که از جناب آقای مهندس حسبی برای این زحمات مستمزشان و برآزندگی و شخصیتی که در این کنفرانس نشان دادند تشکر کنم (صحیح است) عقیده اکثر نمایندگان که از کشورهای متعدد آمده بودند در این کنفرانس کشورهای بزرگ و متعددی شرکت کردند معذرت میگویم اکثر نمایندگان در این کنفرانس شرکت کردند این بوده است که میسیون ایران برجسته ترین میسیونهایی بوده است که در این کنفرانس شرکت کرده است و حتی بقولی گفته شده است که این کنفرانس کنفرانس ایران بوده است این وظیفه من بود که این توضیحات را بعرض آقایان نمایندگان برسانم (احسن)

۴- بقیه مذاکره در گزارش کمیسیون بودجه و فرهنگ راجع باضافه اعتبار بودجه ۱۳۳۱ وزارت فرهنگ و تصویب آن

نایب رئیس - در دستور لایحه اضافی اعتبار وزارت فرهنگ است دنباله پیشنهادات مطرح است با آقایان اطلاع بدهید برای رای حاضر شوند آقای خسرو قشقائی فرمایشی دارید؟
خسرو قشقائی - بنده خواستم از جناب آقای وزیر کار تمنی کنم که چون قوانین کاری که در ایران گذشته در زمان

شورکت سابق بوده تجدید نظری در آن بکنید و از اینکار گران بیچاره ای که بسا نرسیدن حقوق در مضیقه بوده اند و با وضع بسیار سختی زندگی می کنند تشکر بکنید.

وزیر کار - تجدید نظر شده و بعرض آقایان خواهد رسید.

نایب رئیس - پیشنهاد آقای خلخالی قرائت می شود

(پیشنهاد بشرح زیر قرائت شد)
پیشنهاد میکنم جمله (متناسب با جمعیت شهرستانها و مرکز) بجمله (متناسب با جمعیت مرکز و شهرستانها و سایر نقاط کشور تبدیل شود). خلخالی (بعضی از نمایندگان آقای خلخالی نیستند)

نایب رئیس - خود بخود این مطلب در گزارش کمسیون هست پیشنهاد دیگر قرائت می شود.

(پیشنهاد آقای ناصر ذوالفقاری بشرح زیر قرائت شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی - پیشنهاد میکنم بماده واحده تبصره زیر اضافه شود:

تبصره: معلمینی که در ساعات تدریس خود در کلاس به تبلیغات حزبی بپردازند بخدمت آنها فوراً خاتمه داده خواهد شد.

نایب رئیس - آقای ناصر ذوالفقاری ناصر ذوالفقاری

بقدری روشن و واضح است که احتیاج به توضیح ندارد و برای اینکه هر توضیحی بدهم توضیح واضحات است (قنات آبادی) آنقدر هم واضح نیست) شما اگر نفهمیدید عرض کنم چیست بنده عرض کردم که هر معلمی که بجای تدریس در کلاس تبلیغات حزبی کند فوراً بخدمتش خاتمه داده شود و خیال هم میکنم که آقایان توجه داشته باشند که در این پیشنهادی که بنده کرده ام هیچ حب و بغضی نداشته باشم همان طور که جناب آقای وزیر فرهنگ در جلسه گذشته فرمودند که این شاگردان در مدرسه بجای اینکه درس بخوانند عملیاتی خلاف این میکنند ولی فرمودند که باعث این عملیات که بعقیده من معلمین هستند که باعث این عملیاتند ضمناً از موقع استفاده میکنم و سؤالی از وزیر خارجه کرده ام که تقدیم مقام ریاست میکنم.

نایب رئیس - نسبت بسؤال بیوقع اقدام می شود آقای قنات آبادی میخواهید جواب بدهید؟ (قنات آبادی - بلی) بفرمائید.

قنات آبادی - در اینکه کلاس درس باید درس خواند و معلم هم وظیفه اش این است که درس بدهد کسی مخالف است و نه شبهه ای در این مطلب است اما این

پیشنهادی که جناب آقای ذوالفقاری فرمودند که اگر معلم در سر کلاس تبلیغ سیاسی کرد باید خارجش کرد و محرومش کرد آن مرجعی که باید این را تشخیص بدهد بمن نشان بدهید بنده هزار دلیل الان دارم که اگر به ابروی یار برنخور دست آنکسانی که تبلیغات مضره میکنند بخصوص در وزارت فرهنگ باز گذاشته اند بنده طرفدار این نیستم که فرهنگ دبستان و دبیرستان و دانشکده جولانگاه سیاست باشد و ابناء وطن ما از درس باز بمانند اما این مطلب هست الان انهاییکه تبلیغات مضره میکنند دستشان کاملاً باز است و اگر وقت و مجال داشته باشید و بخواهید حاضرم اینها را یکی یکی با مدرک بر عرض آقایان نمایندگان محترم برسانم خوب وقتی یکمده ای از دانشجویان و محصلین و غیره اینها می بینند که یک دسته ای به تبلیغات مضره تیشه گرفته اند و بریشه مملکت می زنند آنها قیام میکنند و در مقابل آنها تبلیغاتی که بنفع مملکت است میکنند اگر شما مرخص را بمن نشان بدهید چه مقامی چه شخصی معلمینی که تبلیغ سوء هاله مصالح مملکت میکنند اینها را اخراج میکنند بنده از مخالفت خود دست برمی دارم آقایان این مرجع معلوم نشود تا ضامن اجرایی برای این پیشنهاد معلوم نشود این پیشنهاد مصلحت نیست برای اینکه من می ترسم که بهانه همین پیشنهاد آنهایی هم که در مراکز تحصیلی بنفع مملکت تبلیغ و مبارزه میکنند دستشان را کوتاه کنند

نایب رئیس - پیشنهاد آقای ذوالفقاری یک بار دیگر قرائت می شود

(شرح سابق خوانده شد)
(دکتر طاهری اضافه شود بعد از اثبات)
آقایانی که باین پیشنهاد موافقت دارند قیام بفرمایند (شمس قنات آبادی - اگر این بضرر میلیون تمام نشد هر چه سی خواهد بود بگویند)

(اکثر نمایندگان برخاستند)
نایب رئیس - تصویب شد پیشنهاد بعدی قرائت میشود
(پیشنهاد آقای وکیل پور شرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد می نمایم که قسمت اخیر ماده واحده بطریق زیر اصلاح شود که متناسب با جمعیت مرکز و شهرستانها و با توجه به احتیاجات باشد و تصویب کمیسیون بودجه برسد قابل تعهد و مصرف خواهد بود (وکیل پور)

نایب رئیس - آقای وکیل پور
وکیل پور - برای اینکه این پیشنهاد قدری مهم بود مجدداً یک توضیحی عرض میکنم که مقصود از پیشنهاد این بود چون ماده واحده این طور است که بودجه دولتی اجازه داده می شود که برای اجرای قانون

تعلیمات اجباری و سایر احتیاجات وزارت وزارت فرهنگ مبلغ یکصد و بیست و هفت میلیون ریال بپردازد و این اضافه اعتبار طبق صورت ریزی که متناسب با جمعیت شهرستانها باشد بنده چیزی که اضافه کردم این است که با توجه به احتیاجات باشد (نمایندگان - رده شده آفارد شده) در آنجا چیز دیگری بود گفتند که کلمه متناسب با جمعیت شهرستانها نداشته باشد بنده خواستم در اینجا وجه حی پیدا کرده باشید (شبهستری - این نظر رد شد) استدعا میکنم ثانیاً توجه بفرمائید عرایض بنده را گوش کنید آنروز توضیحات زیادی از طرف آقایانی که مخالف بودند با درج کلمه احتیاجات داده شد ولی تمام آقایان استدلالشان بر این بود که دادن اعتبار به نسبت جمعیت باشد هر جا جمعیتش بیشتر باشد احتیاجش هم بیشتر است ولی خواستم خلاف استدلالشان را در اینجا بر عرض آقایان برسانم که چنین چیزی نیست در بسیاری جاها جمعیت زیادی وجود دارد اما احتیاجاتش کمتر از جاهای دیگر است (چند نفر از نمایندگان - اینطور نیست) خواهش میکنم اجازه بفرمائید بنده عرایضم را بکنم بعد از آقایان فرمایشی داشتند تشریف بیاورند و پشت این تریبون بفرمایند عرض میکنم که یک مطلبی که خیلی اساسی است که تمرکز و عدم تمرکز جمعیت در نقاط خودش یکی از عوامل مؤثر ایجاد احتیاج است اگر یک جمعیت سی هزار نفری در یک شهری متمرکز باشد احتیاجات این شهر بر مراتب زیادتر از احتیاجات ۳۰ هزار نفری است که در نقاط مختلف پراکنده باشند آخر آقای باید یک قدری هم به گزارشات فرهنگ رسید وزارت فرهنگی که تمام گزارشات نقاط مختلف کشور را بدست میگیرد به آنهم باید رسید و بحرفش گوش داد شما فرضاً در بسیاری از نقاط مدرسه تأسیس میکنید معلم میفرستید اما شاگرد ندارید مطلب این است که آقایان در مملکت اعتباراتی که در نظر گرفته میشود بصرف واقعیش نمیرسد یعنی آن استفاده ای که بایستی از این اعتبارات بشود نمی شود علتش این است که مادر حقیقت آن عواملی را که شرط حد اکثر استفاده است در نظر نمیگیریم بنده معتقدم دو نکته است یکی این است که در بسیاری از نقاط همانطوری که در جلسه گذشته جناب آقای فرامرزی توضیح دادند اصولاً توجهی به فرهنگ نشده و بعضی از نقاط مورد بی توجهی و بی عدالتی قرار گرفته اند یکی از نقاط فارس است من متأسفم که واقعاً صدای مظلومیت فارس از پشت این تریبون کمتر بگوش میرسد فارس است که بیشتر از هر جا از نظر فرهنگ بایستی بهش توجه شود بنده هیچ نوع اطمینانی ندارم که الان اگر میگویم کلمه احتیاجات در اینجا منظور بشود وزارت فرهنگ فارس

نایب رئیس - آقا صحبت خودتان را بفرمائید مذاکره بین الانین بفرمائید

وکیل پور - آخر بعضی از آقایان نمیگذارند خلاصه عرض بنده این است که این اضافه اعتبار برای فرهنگ خیلی ناچیز است مثل یک آب نبات خیلی ریزی است که به یک آدم گرسنه ای بدهند حالا که چنین چیزی هست بگذارید که به بهترین مصرفش برسد و وقتی به بهترین مصرف می رسد که از تجربیات و سوابق وزارت فرهنگ استفاده کنیم و بهر کجا که بیشتر احتیاج دارد داده شود بنده بیشتر از این توضیح عرض نمی کنم و خواهش میکنم که آقایان از نقطه نظر اجرا درست دقت بفرمایند و یک کاری بکنند که این اعتبار در یک جاهای بیخودی مصرف نشود و استفاده لازم ازش بشود

نایب رئیس - آقای ناظرزاده

ناظرزاده (مخبر کمیسیون فرهنگ) - بطوریکه آقایان محترم میدانند مخبر هر کمیسیون موظف است از متن قانونیکه در کمیسیون تصویب رسیده دفاع بکند (صحیح است) و وقتیکه ماده واحده مربوط به فرهنگ در کمیسیون فرهنگ آمد با حضور آقای وزیر فرهنگ بعد از مذاکرات زیاد گفته شد که اگر کلمه احتیاجات نباشد ممکنست وزارت فرهنگ در عمل دچار اشکال شود به همین جهت مخصوصاً کلمه احتیاجات قید شد و اینکه نوشته شده در ماده تصویبی کمیسیون فرهنگ که با اصلاح عبارتی ۰۰۰ (امامی اهری - آقا ایشان موافق صحبت میکنند) آقا بنده مخبر هستم آقای امامی اهری ماشاءالله اینقدر عصبانی هستند که هیچ مقرراتی را قبول ندارند تا حرف خودشان را بگویند نشانند (کریمی - آقا شما برخلاف مقررات صحبت میکنید) در کمیسیون فرهنگ اصلاح عبارتی که گفته شده همین بود که کلمه احتیاجات باشد حالا هم مقصود ما همین است که اگر در بعضی از محلهایک آموزشگاههایی باز شده با اشکالی که در این ماده گذاشته شده وزارت فرهنگ مجبور نشود که آن

بیشتر توجه بکنند ولی میگویم اگر علی الاصول واقعاً یک دستگاه منصفی باشد وزارت فرهنگ درست دقت می کند می بیند فارس در درجه اول است و بایستی از این اعتبار یک سهم بیشتری نصیب آنها بشود بنده میخواهم عرض بکنم که آقایان در جایی که شمامی خواهید یک اعتباری را بصرف برسانید باید توجه کنید المانها و عوامل هم موجود باشد انرا دی را که میخواهید از این وجوه استفاده کنند باید خودشان هم حسن قبول بخرج بدهند و خودشان حسن استقبال کنند (نبوی - مثل طهران) در تهران هیچ چنین چیزی نیست اگر منظورتان این است که برای تهران یک (پورسانتاز) معین شود از این اعتبار بصرف بدهد

نایب رئیس - جناب عالی بعنوان مخبر کمیسیون صحبت می کنید مختصر بفرمائید

ناظرزاده - در کمیسیون فرهنگ اینطور تصویب رسیده که با قید کلمه احتیاجات، حالا اگر آقایان بطریق دیگری میخواهند تصویب کنند لاف طوری تصویب بشود که در عمل دچار اشکال از لحاظ استانهای جنوب نشویم

گنجینه - آقا مخالفم با نظر آقای مخبر و بایش نهاد

حاج سید جوادی - کلمه احتیاجات دست انداز عجیبی است

نایب رئیس - عده زیادی از آقایان تقاضای مذاکره بعنوان مخالف کرده اند آقای کریمی بعنوان مخالف می خواهند صحبت بفرمائید (کریمی - بلی) بفرمائید **کریمی** - ایرادی که بنده در اول جلسه راجع تصویب صورت مجلس کردم یک قسمت بزرگش این بود که مطابق آئین نامه هر مخبر کمیسیون باید بیاید از آنچه در کمیسیون تصویب شده است دفاع کند (صحیح است) جناب آقای مکی مخبر یک شعبه ای بودند راجع تصویب اعتبارنامه ها ایشان با بعضی از اعتبارنامهها مخالف بودند کمیسیون یا شعبه دستور داد که بیاید و از اعتبارنامهها دفاع کند چون خودشان با بعضی از اعتبارنامهها مخالف بودند استغفا کردند آقای ناظرزاده که مخبر کمیسیون فرهنگ هستند آمده اند اینجا (ناظرزاده) من که گفتم کمیسیون فرهنگ اینطور تصویب شده (این اول ایرادی که بصورت مجلس داشتم اما راجع بکلمه احتیاجات میخواهم عرض کنم که کلمه احتیاجات کلمه بسیار خوش ظاهری است (حاج سید جوادی - کلمه عجیب دست اندازی است) اما نتیجه آن اینست که از اول تشکیل مشروطیت این کلمات خود مختاری را که بدست دولتها می دهند اگر یک دولتی مثل دولت جناب آقای دکتر مصدق بطور نا درستی کار بیاورد ممکنست احتیاجات را درست تشخیص بکنند و قانون را درست اجرا بکنند ولی متأسفانه دولتهای ضعیف آمدند و در

و متفدین در محل از این کلمات سوء - استفاده کرده اند و بودجه را بدون حق و عالت تلف کرده اند و در اثر این بی عدالتیها آن زرمه های شوم تجزیه آذربایجان بوجود آمد که میگفتند آقا فرزندان تهران مگر خونشان رنگین تر از خون فرزندان سایر نقاط کشور هستند چرا تمام بودجه را صرف تهران می کنند یا صرف املاک شمال میکنند چون که اغلب حضرت فقید در آنجا املاک داشتند اینگونه الفاظ را نگذارید و بدعت نگذارید و اختیارات بدست دولتها و متفدین ندهید يك ملاك صحیح که همه جا باید رعایت شود اکثریت است ملت ایران جمعیتش که در هر جا هست همه فرزندان این آب و خاک هستند همه مالیات میدهند آقای فرامرزی در جلسه گذشته بی لطفی کرده و فرمودند که کرد نمی خواهد درس بخواند بنده تعجب می کنم که چطور ایشان از بحرین آمدند درس خواندند و استاد شدند بنده از آقایان تقاضا می کنم از این کلمات صرف نظر نکنند و فقط بنسبت جمعیت این بودجه را تصویب (صحیح است)

احمد فرامرزی - جناب عالی از عراق آمدید از سلیمانیه آمدید **نایب رئیس** - رأی میگیریم و رأی ملس قاطع است پیشنهاد دوم رتبه قرائت می شود.

(شرح سابق قرائت شد) **نایب رئیس** - خلاصه پیشنهاد اینستکه آیا احتیاجات هم در نظر گرفته شود یا فقط جمعیت

عده ای از نمایندگان - جمعیت باید ملاک باشد **نایب رئیس** - آقایانی که با این پیشنهاد موافق هستند قیام فرمایند (عده کمی برخاستند) اردشد پیشنهاد دیگر قرائت می شود

(پیشنهاد آقای معتد دماوندی بشرح زیر قرائت شد) ریاست محترم مجلس شورای ملی تبصره زیر را به ماده واحده پیشنهاد می کنم:

تبصره پنجم در صد از درآمد کل شهرداری موضوع قانون شهرداریها که در اختیار وزارت فرهنگ جهت تعلیم و توسعه فرهنگ بمنظور اجرای قانون تعلیمات اجباری گذارده می شود طبق تبصره پیشنهادی زیر سه درصد از کل درآمد شهرداری به تاسیس دبستان در شهر و دو صد از کل در شهرداری بتاسیس دبستان در قراقرظ اطراف شهر با کمک شوراها ده اختصاص داده خواهد شد.

معتد دماوندی **عده ای از نمایندگان** - پس بگریبند

معتد دماوندی - پس گرفتم (احسنت) **نایب رئیس** - پیشنهاد آقای اخگر قرائت میشود (بشرح زیر خوانده شد) پیشنهاد می کنم بجای تشکیل ادارات کل در مرکز و سایر تشریفات معمولی از این اعتبار بیشتر برای نقاط دور افتاده که تا بحال کمتر توجه شده بیشتر توجه شود.

نایب رئیس - مطلبش صحیح است ولی مربوط باین ماده نیست و نمی شود طرح کرد پیشنهاد دیگری قرائت میشود (پیشنهاد آقای نبوی - مهندس رضوی بشرح زیر قرائت شد) پیشنهاد می کنیم تبصره ذیل بماده واحده اضافه شود:

تبصره - غیر از خدمتگذاران جزء و دون پایه استفاده از این اعتبار منحصر به کسانی خواهد بود که عملادرد - تانها تدریس می نمایند

نایب رئیس - آقای نبوی **نبوی** - کارمندان فرهنگ از هر طبقه و هر دسته از بهترین خدمتگذاران کشور هستند (صحیح است) تمام مردم نسبت به کارمندان فرهنگ احترام میگذارند و خدمتی که اینها میکنند مهمترین کارهایی است که امروز در مملکت انجام میگیرد منظور ما از این پیشنهاد که کردیم این نیست که یک طبقه از کارمندان را بر طبقه دیگر ترجیح بدهیم همه کارمندان از بهترین خدمتگذاران این مملکت هستند ما همه میدانیم که تشکیلات مدارس و آموزشگاههای ما بسیار کم است و بطوری است که از همه جا سر و صدا بلند شده و هر وقت من بوزارت فرهنگ رفتم دیدم که مردم از همه جا تلگرافاتی میکنند که مدارس و موسسات آموزش بسیار کم است و ما که این پیشنهاد را دادیم از این جهت بوده است که این را صرف تشکیلات اداری نکنند و منحصر بآموزش مدارس و آموزشگاهها نرسد (صحیح است) چون آنها تیکه کارشان صرفا برای کارهای آموزش است باید کوشش بشود که بهمان کارها مشغول بشوند نه اینکه بکارهای اداری اشتغال داشته باشند متأسفانه یکمده زیادی از کارمندان که باید بکارهای آموزش میروند و بکارهای اداری میروند غرض اینستکه آقایان توجه فرمایند که این پول باید صرفا بصرف حقوق معلم در آموزشگاهها و دبستانها و کارمندانیکه بآموزشگاه میروند برسد و این وجه که مبلغش بسیار قلیل است صرف کارهای اداری در مرکز و ولایات نشود تمنی میکنم که آقایان باین توجه فرمایند (امامی اهری - آقای نبوی کمیسیون بودجه آنها را توجه

میکند) پیشنهاد را دوم رتبه قرائت می کند (بشرح سابق خواندند) وقتیکه ما این پیشنهاد را تصویب کردیم برای کارهای اداری که جنبه آموزش ندارد دیگر نمیشود از این محل مصرف نمود و من خیال میکنم که این کار کاملاً صلاح است

میر اشرفی - آقای نبوی اضافه کنید که اثنایه هم میتواند برای مدارس بخزند

نایب رئیس - آقای ناظرزاده **ناظرزاده** (مخبر کمیسیون فرهنگ) - عرض کنم نظر جناب آقای نبوی تأمین است بجهت اینکه صورتی تهیه شده و این صورت در کمیسیون بودجه مورد مطالعه قرار گرفته و هر چه از این اعتبار صرف میشود مربوط به همین آموزشگاهها و بتعلیمات و احتیاجاتی که این آموزشگاهها دارند است بنا بر این بنده خیال میکنم که نظراتان تأمین شده است.

دکتر معظمی - پیشنهاد یکم رتبه دیگر قرائت شود (بشرح سابق دوم رتبه قرائت شد)

نایب رئیس - رئیس آقای ملک مدنی **ملک مدنی** (بله) بفرمائید يك اشکالی دارد و بنده با اصل پیشنهاد موافقم ولی خیال می کنم در عمل تولید اشکال بکند و باید يك طوری این تبصره تهیه شود که در عمل اشکال ایجاد نکند برای همان آموزشگاههایی که مورد نظر جناب آقای مهندس رضوی و جناب آقای نبوی بود تبصره را بنده باز قرائت میکنم (بشرح سابق خواندند) جناب آقای نبوی دبستانها اول باید محل اجاره کنند بعد باید اثنایه بخزند و احتیاجات دیگر دارند بعدش معلم (نبوی) اینها را اضافه می کنم) این منظور در اینجا تأمین نشده اینرا ضمیمه بفرمائید که خرید اثنایه و اجاره دبستان و دبیرستان را بپردازند که وزارت فرهنگ بتواند استفاده بکند آنوقت بنده هم موافقم (زیرک زاده) اینها را مالکین خواهند پرداخت بنده هم موافقم که بپردازند ولی ما وقتیکه در این مقام هستیم که اعتباری برای آموزش ابتدائیان را که مورد توجه همه هست تصویب میکنیم باید تمام وسائل را در نظر بگیریم حالا آمدیم فرض کنیم يك مالکی خست کرد و خانه برای تاسیس دبستان نداد باید دخت وزارت فرهنگ باز باشد بنده نظر اصلاحی داشتم والا با اصل مطلب مخالف نیستم و موافقت دارم

نایب رئیس - اگر آقایان اجازه بفرمایند منظور آقای نبوی قسمت پرسنلی است که صرف قسمت پرسنلی شود **دکتر کیان** - اگر اجازه بفرمائید بنده بتوان بکنفر کمیسیون بودجه می خواهم توضیح بدهم و این پیشنهاد

بمورد بنظر میرسد **نایب رئیس** - بعنوان عضو کمیسیون بودجه نمی شود ۱۷ نفر دیگر هم عضو کمیسیون بودجه هستند معهما بفرمائید

دکتر کیان - عرض کنم این اعتبارات را در قانون برای اضافات سال جاری وزارت فرهنگ در نظر گرفته اند و احتیاجات اضافی وزارت فرهنگ علاوه بر دبیر و آموزگار و خرج تأسیسات و قسمتهای مختلف مربوط بدانشگاه و همه خرجهای مختلف آنچه که مربوط بتعلیمات کشوری است باید از این محل تأمین شود در این قسمت بنده عقیده ام اینستکه واقعا وزارت فرهنگ وزارتتی است که حسن نظر دارد و در کمیسیون بودجه هم قید شده است که این صورت بیاید و به تصویب کمیسیون بودجه برسد و رعایت این نکات که باید در این قسمت بشود در کمیسیون بودجه خواهد شد عقیده بنده اینستکه بیخود قانون را پیچیده نکنید و اسباب اشکال تازه ای نشوید

خسرو قشقایی - بنده اخطار نظام نامه ای دارم

نایب رئیس - پیشنهاد دوم رتبه قرائت میشود (بشرح سابق خوانده شد)

نبوی - برای اینکه رفع اشکال آقایان بشود بنده اضافه میکنم و تهیه وسائل آموزشگاهها و دبستانها

نایب رئیس - پیشنهاد جناب عالی منحصر بقسمت پرداخت حقوق و مزایا است مصارفش جداگانه است آقای وزیر فرهنگ بفرمائید

وزیر فرهنگ - عرض کنم که تاسیس کلاس و دبستان و دبیرستان و غیرش منحصر بعقوق معلم و آموزگار و دبیر نیست معارج دیگری هم دارد و ماعده زیادی کلاس و دبستان تاسیس کردیم اینها معارج دیگری دارد خرج آب دارد خرج برق دارد خرج اثنایه دارد اگر از اینها چشم پوشیم کلاس ما با يك معلم کلاس نخواهد شد اینستکه من تمنی میکنم آقای نبوی از این پیشنهادشان صرف نظر فرمایند از طرف دیگر همانطوریکه ملاحظه فرمودند قید شده است که زیر این بودجه در کمیسیون بودجه باید تصویب بشود و مارزش را خواهیم فرستاد آقایان هر قلمی را که در آنجا زائد دانستند البته حذف خواهند کرد اینستکه با تصویب این پیشنهاد دست وبال وزارت فرهنگ بسته میشود و مصور میشود این پیشنهاد را که فرمودید من ترس دارم که قسمت مهمش صرفا جوئی شود

نایب رئیس - پیشنهاد اصلاحی که شده قرائت میشود (بشرح زیر خوانده شد) پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده واحده اضافه شود تبصره - غیر از خدمتگذاران جزء و دون پایه استفاده از این اعتبار در

پرداخت حقوق و مزایا منحصر بکسانی خواهد بود که عملاً در دبستانها تدریس می نمایند و همچنین مصارفی که مستقیماً در مدارس انجام شود .

نوی ، احمد رضوی
نایب رئیس - آقایانیکه با این پیشنهاد با اصلاحیکه شده موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد پیشنهاد آقای شمس قنات آبادی قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد میکنم تبصره زیر بماده واحده الحاق گردد تبصره - وزارت فرهنگ مکلف است نهم بودجه حقوق را صرف احتیاجات شهرستانها بارعایت الاهم فالاهم نماید شمس قنات آبادی

نوی - خلاف این تصویب شده
نایب رئیس - آقای قنات آبادی
قنات آبادی - من تا آن موقعیکه

اطلاع دارم و شنیده ام در این مجلس چه در این دوره و چه در دوره های گذشته نمایندگان محترم از اینکه به شهرستانها توجه نمیکنند شکایتها را داشتند و علامه مادیدیم که در ایران اگر عملی شده است، اقدامی شده است، اصلاحی شده است، پولی خرج کرده اند اکثر آ در تهران بوده شهرستانها بطور کامل از همه مزایا محروم بوده اند (صحیح است) و بودجه هائیکه تصویب میشود چه بصورت بودجه مملکتی و چه بصورت بودجه فوق العاده غالباً یک ترتیبی اتخاذ میشود و یک طرق و راههایی انتخاب میشود که غالباً در تهران مدفون میشود و اینجا مصرف می رسد حالا بعضی یا به ناحق که بعقیده بنده خیلی هایش بمرور مصرف میشود (اقبال - فعلا که سیاست صحبت است) اجازه فرمایید من در این چند روز گذشته در یکی از این قوانینی که دولت تصویب کرده بر خوردم به یک ماده ای . .

نایب رئیس - باید خدمتتان عرض کنم که توضیح در اطراف پیشنهاد باید مختصر باشد .

قنات آبادی - یعنی چقدر باشد؟
نایب رئیس - پنج دقیقه

قنات آبادی - چشم در این ماده بر خوردم به یک ماده ای که نوشته بود که مأمورین دولت اگر گزارش بدهند از نظر دولت این گزارش صحیح تلقی می شود مگر اینکه خلافش ثابت شود البته این مطلب از نظر دولت صحیح است ولی از نظر مردم صحیح نیست بهر حال دلیل اگر بخواهند بگویند ما در یک عمل حسن نیت داریم و می خواهیم انجام بدهیم باید بکنند تا مردم به بینند قیام مردم قبول ندارند زیرا آدم مارگریده از طناب سیاه و سفید می ترسد علتیکه بنده این پیشنهاد را کردم این بود که کتب این مقدار پول این ۱۲ میلیون گواهی که آنها تناسب جمعیت و احتیاجات و انواع و

اقسام ازین حرفه امطر ح شده و در اینجا گنجانده شده است ولی ما عملاً دیدیم که با همه این قید و بندها غالب این بودجه ها در طهران مصرف میشود و در بیشتر از شهرستانهای ایران انسان وقتی می رود می بیند هم از نظر معلم هم از نظر مدیر هم از نظر سایر معارج ضروری واقفانیک وضع بسیار افتضاح آوری و تأثر آوری دارد لذمان پیشنهاد کردم موقعیکه می خواهند این پول را قسمت بکنند برای تهران بیشتر از یکدهم قرار ندهند البته این موضوع تناسب جمعیت و موضوع احتیاجات هم اینجا رویش زیاد بحث شده ولی من می خواستم برای تناسب جمعیت یک نکته را توضیح بدهم فرض کنیم شهری صد هزار نفر جمعیت دارد و این صد هزار نفر دو هزار نفر و سه هزار نفرش تحصیل کرده و با سوداند و برای دوسه هزار نفر بودجه بود یک شهری ۵۰ هزار نفر جمعیت دارد و بودجه برای تحصیل ۲۰۰ نفر بیشتر نبوده است و حال اینکه قبل از اینکه این لایحه تصویب شود مردم اینجام مالیات می دادند ولی وزارت فرهنگ بیشتر از ۲۰۰ نفر بودجه قرار نداده که آنجا تحصیل بکنند این موضوع تناسب جمعیت در تقسیم بودجه آ قدرها هم صحیح نیست که یکمده از آقایان محترم مصرند البته اگر موضوع احتیاجات با مراعات الاهم و فالاهم در نظر گرفته شود معلوم است یعنی آن شهرستانی که هیچ فرهنگ ندارد و آن شهرستانی که مدرسه ندارد بچه های مملکت روی خرابه نشسته اند معلم ندارند مراعات بشود در آنجا بودجه مصرف بشود بینهایت بهتر از اینست که در آنجائی که جمعیت زیاد دارد و مدرسه هم دارد بودجه مصرف بشود علاوه بر این بودجه باید یک مقدارش هم صرف حفظ قومیت ما بشود وقتی که آقای دکتر فاخریک پیشنهادی دادند که یک مقدار از این بودجه صرف استانهای شمال و آذربایجان و جاهای دیگر بشود من از لحاظ آنکه خیلی از بودجه صرف آنجاها میشود مخالف بودم ولی این مطلب را آقایان تذکر

میدهم که از این بودجه باید صرف قومیت و زبان مادر آن نقاطی که لازمست بشود بنا بر این بعقیده بنده اگر آقایان باین پیشنهاد رأی بدهند که فقط یکدهم از این بودجه صرف تهران و نه دهم آن با تصویب کمیسیون بودجه صرف شهرستانها بشود حق این لایحه را ادا کرده اند

عبدالرحمن فرامرزی - ماده ۹
نایب رئیس - اساساً این پیشنهاد آقای قنات آبادی با آنچه قبلاً تصویب رسیده مناقات دارد پس از رد شدن احتیاجات موضوع جمعیتها است معذک نمیدانم آقایان چه نظری دارند
شمس قنات آبادی - رأی بگیری
صفائی - خلاصش تصویب شده
نایب رئیس - آقای حاج سید جوادی

مخالفید؟ (حاج سید جوادی - بله) بفرمائید
فرامرزی - آقای رئیس من اخطار ماده ۹۰ دارم جناب آقای کریمی راجع بمن حرفهایی زده که من می خواهم جواب بدهم
حاج سید جوادی - من نظرم این است که این لایحه طوری تنظیم بشود که بدست انداز نیفتد و اسباب زحمت نشود چون احتیاجات باعث سرگردانی است و اگر برای شهرستانی نخواهند کاری بکنند میگویند که فلان نقطه احتیاجاتش زیادتر است و باید یک دیکتاتور مآبی مخصوص و آن رزستهای که تحویلشان میدهند جلوی خرج حقیقی را بگیرند و اگر حساب راروی جمعیت بگذاریم که همه این مردم مالیات می دهند و همه هم در شئون اجتماعی و امور اجتماعی باید یکسان بهره مند باشند و این قیدی را که آقای قنات آبادی کرده اند الاهم فالاهم برادر همان احتیاجات است و من عقیده ام اینست که بهش رأی ندهید

نایب رئیس - پیشنهاد آقای قنات آبادی دومرتبه قرائت می شود (شرح سابق قرائت شد)

نایب رئیس - الاهم فالاهم یعنی به تناسب جمعیت؟
قنات آبادی - الاهم فالاهم اعم از جمعیت و سایر چیزها است یک کلمه اعم است

نایب رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد (کنجه - مخالف توضیح نداده باید صحبت بکنند) آقای حاج سید جوادی مخالف صحبت کردند آقایان توجه ندارند آقایانی که باین پیشنهاد موافقت قیام فرمایند (عده کمی برخاستند) رد شد آقایان باید توجه فرمایند که این کار تمام بشود چون پیشنهادات زیاد است پیشنهاد آقای ذکائی قرائت می شود (شرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد میکنم از محل اضافه اعتبارات ترمیم و تشکیل دانشسرا ها مقدم بر سایر احتیاجات فرهنگ باشد ذکائی

نایب رئیس - آقای ذکائی مختصر بفرمائید

ذکائی - پیشنهاد بنده این بود که از محل اضافه اعتبارات تشکیل دانشسرا مقدم بر سایر کارهای فرهنگ باشد البته آقایان محترم تصدیق میفرمایند اصلاحات فرهنگ در درجه اول باید از دبستانها شروع شود برای اصلاح دبستانها هم باید بوضع آموزش کاران توجه شود که متأسفانه در ولایات ما آموزش کار نداریم وزارت فرهنگ مجبور است هر ساله مدارس را که گواهی شش ساله ابتدائی بدست آورده بعنوان کمک آموزش کار برای آموزش کاری استخدام نماید در صورتی که آموزش کارانیکه مقدرات دانش آموزان بدست آنها سپرده میشود باید بوضع تعلیم آشنا باشند این پیشنهاد را تقدیم کردم که

این اضافه اعتباری که برای اجرای قانون تعلیمات اجباری و تأسیس مدارس بوزارت فرهنگ داده میشود در درجه اول برای تأسیس دانشسراهای مقدماتی مصرف شود که اول آموزش کار تربیت نمایند بعد دبستان تأسیس کنند و الا بدون آموزش کار تأسیس دبستان فایده ندارد ما آموزش کار نداریم این آموزش کارانیکه داریم اینها صلاحیت ندارند باید اول آموزش کار تهیه نمایند و بعد دبستان ایجاد شود و تعلیم و تربیت در آنجا تعمیم پیدا کند (صحیح است)

نایب رئیس - آقای اخگر با این پیشنهاد مخالفید؟ (اخگر - بلی) بفرمائید
اخگر - تمام کشور در نظر بنده و سایر آقایان و کلاً مثل یک خانه است همه را دوست داریم ولی باید توجه داشته باشیم که اگر مختصر اعتباری پیدا کردیم صرف جائی در این خانه باید بکنیم که خرابیش بیشتر است اساساً این اعتباری که داده می شود بوزارت فرهنگ اگر صرف بشود در جائی که مدارس ابتدائی یا متوسطه ندارند البته بهتر است از اینکه در لباس این عبارت فقط در تهران صرف شود برای این که در ولایات که دانشسرا ندارند در این پیشنهاد یک عبارتی بود که یعنی تمام این پول در تهران خرج شود چون بنظر بنده هر چه پول گیر آمده است در تهران خرج شده از این اعتبار در تهران هیچ نباید مصرف شود و باید بمصرف مدارس ابتدائی و متوسطه شهرستانها که در نهایت احتیاج هستند تخصیص داده شود بقدر این ارس که ما میخواهیم تشکیل بدهیم معلم وجود دارد (صحیح است)

نایب رئیس - آقای ناظرزاده

ناظرزاده (مخبر کمیسیون فرهنگ) - وزارت فرهنگ با توجه با احتیاجات و هزینه هائیکه داشت صورتی تهیه کرده و یک میلیون و پانصد هزار ریال از این بودجه مال تکمیل دانشسرا ها هست بنابراین این منظور در صورتیکه تهیه شده پیش بینی گردیده باین ترتیبی که پیش بینی شده است خواهش می کنم پیشنهادتان را پس بگیرد که اینکار زودتر بگذرد

ذکائی - چون آقای وزیر فرهنگ و آقای مخبر کمیسیون فرمودند پیش بینی شده پس میگیرم

نایب رئیس - پیشنهاد دیگر آقای ذکائی قرائت میشود (شرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد میکنم هزینه فرهنگ در هر شهرستان بانظارت کمیونی از متدین محل با احتیاجات فرهنگ مصرف شود .
ذکائی

نایب رئیس - آقای ذکائی
ذکائی - البته آقایان محترم متضرر هستند که در شهرستانها همه نقاط ایران اهالی هر محلی فرهنگ علاقمند هستند و این فرهنگ هم بالاخره باید بدست مردم

اداره شود این فرهنگ برای مردم است در شهرستانها در نتیجه بی تجربگی و عدم آشنائی روسای فرهنگ آنطوریکه واقعا مطابق مقتضیات و احتیاج محل است عمل نمیشود عوض اینکه اعتبارات را بمصرف کارهای اصلی صرف نمایند دبستانهایی که باید در نقاط لازم تأسیس بشود تأسیس نمیکند و در نقاط غیر لازم تأسیس میکنند و این پیشنهادی که بنده دادم اینستکه اهل محل هم در مصرف این هزینه ها نظارت بکنند چون اهل محل هستند و علاقمند هستند این است که بنده پیشنهاد کردم که این اعتبارات بانظارت معتمدین محل مصرف بشود .

نایب رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنظر بنده این پیشنهاد جناب آقای ذکائی وارد نیست برای خاطر اینکه ما نباید اساساً کارهای دولتی را از مدار خودش خارج کنیم این هرج و مرج ایجاد می کند وزارت فرهنگ و اداره فرهنگ یک دستگاه منظم قابل اعتمادی است که باید کار خودش را انجام دهد اگر ما بخواهیم اینکار را بکنیم آنوقت فردا پیشنهادی میشود که اداره دارائی هم زیر نظر معتمدین محل باشد این برخلاف اصل و برخلاف قاعده است (صحیح است) البته اگر یک نواقصی در کار فرهنگ مشاهده می فرمایند بجناب آقای وزیر فرهنگ تذکر بدهند که نواقص را رفع فرمایند .

نایب رئیس - پیشنهاد آقای ذکائی دومرتبه قرائت میشود

(بشرح سابق قرائت شد)

نایب رئیس - آقای ذکائی پیشنهادتان را تأیید می کنید یا پس می گیرید ؟

ذکائی - آقای وزیر فرهنگ اگر قول میدهند که این اعتبارات در مجلس مصرف شود بنده پس میگیرم

عده ای از نمایندگان - پس گرفتند .

نایب رئیس - بسیار خوب پیشنهاد آقای اخگر قرائت میشود

(بشرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در لایحه عبارت (که این اضافه اعتبار طبق صورت ریزی که متناسب با جمعیت شهرستانها و مراکز باشد) حذف شود

نایب رئیس - این پیشنهاد حذف محتاج باینست که بعد پیشنهاد تجزیه بدهید .

اخگر - اجازه بدهید توضیح بدهم **نایب رئیس -** توضیح ندارد خواهش می کنم جنابعالی هم صرف نظر فرمائید . پیشنهاد آقای مهندس غروی قرائت می شود .

(بشرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که تبصره زیر بماده واحده اضافه شود:

تبصره - چنانچه بهر اسمی از اعتبار مخصوص هر شهرستان در سال تحصیلی باقی بماند در بودجه سال بعد علاوه بر سهم مربوط بهمان شهرستان بمصرف شهرستان نامبرده برسد

نایب رئیس - آقای مهندس غروی مختصر توضیح بدهید

مهندس غروی - عرض کنم آقایان توجه داشتند که ما سعی کردیم بودجه فرهنگ بتناسب جمعیت خرج شود حالا اگر این مسئله احتیاجات وارد این مطلب نشده يك راه دیگر هست که احتیاجات را وارد بکنند و بودجه را خرج نکنند اگر خرج نکردند باید برود جزو صرفه جوئی این مطلبی را که بنده عرض کردم برای اینستکه وزارت فرهنگ متوجه باشد که این بودجه را امسال خرج بکند چون يك مقداری از سال تحصیلی گذشته اگر خرج کرد که چه بهتر و اگر خرج نکرد برای سال آینده در آن شهرستانها خرج بکند توجه آن آقایانیکه نسبت بکلیه احتیاجات اعتراضی داشتند باین پیشنهاد خود جلب می کنم که توجه داشته باشند والا نقض غرض کلی خواهد بود

نایب رئیس - آقای وکیل پور

وکیل پور - بنده متأسفم این عرایضی را که در اینجا کردم توجه نفرمودید والان موجب شده است که پیشنهاد بیاید که اگر صرفه جوئی در این بودجه بشود بگذارند برای سال بعد من می خواهم عرض کنم که این بودجه مختصر فرهنگ باید خرج بشود باید صرف افرادی بشود که اگر يك قدم بطرف من برداشته شود قدم با استقبالش میشتابند برای آنهایی خرج بشود که الان فریاد بی معلمیشان بلند است بمصرف آنهایی برسد که مستخدم جزوشان لباس ندارد شما امروز میخواهید این مصارف و این اعتبارات را صرف جاهائی بکنید که معلم برایش بگیرد خانه برایش بگیرد اما يك جائی باشد که نه شاگرد داشته باشد و نه معلم شما الان بروید بوزارت فرهنگ و ببینید که از این اعتبارات چقدر صرفه جوئی میشود من عرض می کنم که این مختصر اعتبار صرفه جوئی ندارد این اعتبارات وزارت فرهنگ خیلی مختصرتر از آنست که این مملکت احتیاج دارد باز عرض می کنم بنده عقیده ام اینست که يك فرمولی طریقی اختیار بشود و کمسیون بودجه نظارت بکند و تجربه و اطلاعات وزارت فرهنگ در این کار دخالت بکند که این اعتبارات به بهترین وجه مصرف بشود حال شما این اعتبارات مختصر را در ایلام و ایاجاهای دیگر که اصلا احتیاج ندارد مصرف کنید (کریمی - احتیاج ندارد یعنی چه ؟) آقای کریمی ملاحظه فرمائید دستگاه وزارت فرهنگ صورت

دارد (کریمی - همه غلط است) گزارش رسمی دارد که فلانجا شاگرد ندارد (کجبه - نیشود مجال است آقا) همچو چیزی شده است تشریف ببرید وزارت فرهنگ ملاحظه فرمائید عرض میکنم بصرف اینکه اعتبار بماند و سال دیگر بمصرف همان شهرستان برسد مخالف هستم الا هم فالاهم که جناب آقای شمس قنات آبادی پیشنهاد فرمودند بسیار پیشنهاد خوبی بود (کریمی - رشد) (فرامرزی - الا هم فالاهم در این مملکت بچه درد میخورد همیشه در میشود آقا)

نایب رئیس - پیشنهاد آقای مهندس غروی دومرتبه قرائت میشود

مهندس غروی - اجازه فرمائید آهسته تر بخوانند که آقایان توجه کنند

(بشرح سابق قرائت گردید)

نایب رئیس - آقایانیکه با این پیشنهاد موافقت قیام فرمایند (عده کمتری برخاستند) رد شد پیشنهاد آقای دکتر فاخر قرائت میشود

(بشرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد می کنم که تبصره ذیل بماده واحده اضافه شود

تبصره - وزارت فرهنگ مکلف است برای بسط تعلیمات عمومی در سراسر کشور و در راه اجرای ماده چهار قانون تعلیمات اجباری تقاطعی را که باید تعلیمات اجباری شود قبل از فروردین هر سال با موافقت کمسیون فرهنگ مجلس شورای ملی معین و اعلام نماید . دکتر فاخر

نایب رئیس - آقای دکتر فاخر

دکتر فاخر - پیشنهاد بنده تا زگی ندارد

ماده ۴ قانونی که برای تعلیمات اجباری گذشته است میگوید در نقاطی که وسایل تعلیمات اجباری فراهم گردیده وزارت فرهنگ اجباری بودن آنرا در فروردین پس از صحنه ملوکانه اعلام مینماید ولی بنده از تکرار این تعهد وزارت فرهنگ دو منظور داشتم . منظور اول اینست که کمسیون فرهنگ مجلس شورای ملی راهم شریک بداند و بنابراین تعهد دیگری برای اجرای اینکار می شود چون جناب آقای وزیر فرهنگ تصدیق خواهند فرمود که تاحال این تعهد را وزارت فرهنگ انجام نداده است

نظر دوم اینست که این قانون مخصوصاً آقایان نمایندگان شهرستانها که تشریف دارند میدانند که برای اجرای تعلیمات اجباری در بعضی از شهرستانها ضرورت کامل هست و بنده هم این ضرورت را با رضیعتانی که در جلسه پیش خدمت آقایان عرض کردم بطور مفصل تشریح کردم بنابراین بنده شاید هم این انتظار داشته باشم که جناب آقای وزیر فرهنگ این پیشنهاد را قبول فرمایند

نایب رئیس - آقای مغیر

ناظر ژانر مغیر کمسیون فرهنگ - این پیشنهاد اشکالی ندارد بجهت اینکه وزارت فرهنگ هر ساله بعضی از نقاط کشور را برای عملی کردن تعلیمات اجباری در نظر میگیرد . حالا اینکار را با نظر کمسیون فرهنگ بکند هیچ جای اشکالی بنظر نمیرسد و جناب آقای وزیر فرهنگ هم موافقت دارند و بنابراین اگر رأی داده شود ، مهم نیست

نایب رئیس - جناب آقای دکتر فاخر پیشنهاد خودتان را نگه میدارید ؟

دکتر فاخر - بلی رأی بگیرم

نایب رئیس - آقای فرامرزی مخالفید ؟

(عبدالرحمن فرامرزی - بلی) فرمائید **فرامرزی -** عرض کنم که این پیشنهاد همان نکته ایست که آقای کریمی راجع بمن اظهار بی لطفی فرمودند و من هم يك پیشنهادی دادم برای توضیح این مطلب

آقای دکتر فاخر آنروزی که این پیشنهاد را داده بودند ما متوجه نشدیم . بعد در باغ مجلس ایشان يك توضیحی دادند که من يك پیشنهادی دادم در تأیید توضیح ایشان که آن پیشنهاد آقایان اینجا هست . البته مقصود راجع بنقاطی است که ترویج سواد فارسی در آنجا لزوم زیادتر است توضیح زیادتری نمیخواهم بدهم جز همیشه در که مملکت ایران مثل سایر ممالک دنیا يك مملکتی است و ملتی در آنجا زندگی میکند که بر حسب زندگهای خصوصی که در سنوات و بلکه قرون متوالی داشته اند دارای لهجه های محلی هستند مثلا یک نفر سمنانی در عین حال که زبانش فارسی است یا یک نفر مازندرانی ، زبان يك لارستانی را اول دفعه متوجه نمیشود . مابیک زبان عمومی ملی داریم که زبان فارسی است و زبان خواندن و نوشتن است و در جاهائی هست که ترویج این زبان - یعنی بیخشد ترویج این سواد - لازمتر است . فرض کنید در کردستان ، در آذربایجان ، در بلوچستان این ترویج سواد فارسی لازمتر از جای دیگر است . چرا ؟ يك علل سیاسی هم دارد ، گذشته از علل فرهنگی و آن اینست که مثلا نسبت بکردستان یا بلوچستان یا خوزستان یا آذربایجان ، حرفای ما بلند گوهائی گذاشته اند ، رادیوهائی گذاشته اند که بالهجه محلی آنجا صحبت میکنند ، آن فردی که گوش میدهد و تبلیغ میشود او اگر رادیوهای تهران را باز کند چون سواد فارسی ندارد و رادیو طهران بالهجه او حرف نمیزند درست نمیشوند

پس ما باید این را حاضر و مستند کنیم که ارتباط روحی و فرهنگی با زبان پیش زبان کتابی و قرآنی مملکت بیشتر پیدا میکند

نایب رئیس - آقای فرامرزی

خواهش میکنم مختصر بفرمائید
فرامرزی - میدانید که هنوز نظر خودم را نگفته‌ام . آقای کریمی اینجانبین بی لطفی فرموده بودند که من عربم من نمی فهمم که چرا این بسر زبانها افتاده . من از يك طایفه فارسی نژاد قدیمی هستم که از این کلمات عربی که توی زبان شاهست توی زبان مانیت اگر شما بروید بطایفه فرامرزی بگوئید اذان نمی فهمند یعنی چه ، باید بگوئید (بانك) . اگر بگوئید حالا ظاهر است نمی فهمند یعنی چه ، باید بگوئید (پیشین) است اگر شما بگوئید حالا صراحت نمی فهمند یعنی چه باید بگوئید پسین است اگر بگوئید و گرفت نمی فهمند یعنی چه باید بگوئید دست نماز گرفت اگر بگوئید مغرب است ، نمی فهمند یعنی چه باید بگوئید شام است من نمی دانم چطور عربم؟ اما اگر من راجع بکردستان حرفی زدم از لحاظ بی احترامی بمنصر کرد نبود این جامن يك کلمه را باید توضیح بدهم در زبان فارسی کرد یعنی ده نشین و صحرا نشین کرد معنای طایفه معین نمیدهد خود کلمه کرد یعنی ایرانی خالص نژاد (صحیح است) من چطور باین جماعت و باین طایفه توهین بکنم ؟ آنچه من گفتم این بود که در بعضی نقاط کشور مخصوصاً آنجاهائی که خان خانی قویتر بود جلو گیری از ترویج فرهنگ کرده اند (صحیح است) جلو گیری از توسعه مدارس کرده اند (صحیح است) در آنجا ها اقبال کمتری بفرهنگ هست برای اینکه آن ایادی مانع آنست گفتم حالا اگر دولت نتواند آن ایادی را بردارد نباید جای دیگری که آن منع نیست محروم بشود از تحصیل باین جهت من گفتم این را بنظر وزارت فرهنگ بگذارید .
اولا این را من با آقایان عرض کنم که هیچ وزارتخانه و هیچ تشکیلاتی در این مملکت بقدر وزارت فرهنگ باین مملکت خدمت نکرده شماها که سواد دارید مال وزارت فرهنگ است هر چه هست از فرهنگ است کار امسال فرهنگ باقی میماند در صورتیکه کار هیچ وزارتخانه ای باقی نمی ماند یعنی بهر که يك کتاب ابتدائی هم درس بدهند این می ماند ، خودش سواد پیدا میکند و بچه اش را نمیکند سواد باشد بنا بر این من گفتم که این را باختیار وزارت فرهنگ بگذارید که با وجود هر عیبی که شما بر آن میگیرید بیغرض تر از همه است در ترویج فرهنگ برای اینکه کارش مقتضی بیغرضی است معلم چه غرضی دارد ؟ می خواهد درس بدهد غیر از این هم غرضی نمیتواند داشته باشد این منظور من بود و نظر دیگری هم ندارم و اگر هم سوء تفاهمی شده باشد من خیلی متأسف هستم
نایب رئیس - توجه بفرمائید آقایان پیشنهاد خوانده میشود و رای گرفته میشود

(پیشنهاد آقایان دکتر فاخر مجدداً شرح سابق قرائت شد) رای گرفته می شود باین پیشنهاد آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد . پیشنهاد آقای شهیدی هم مشابهش تصویب شده ، آقای شهیدی توجه کنید گمان میکنم پیشنهاد جنابعالی هم مشابهش تصویب شده است ، حالا فقط قرائت می شود (بشرح زیر قرائت شد)
ریاست محترم مجلس شورای ملی پیشنهاد می نمایم تبصره ذیل بماده واحده اضافه گردد
تبصره - اعتبار هر شهرستان و بخش منحصرأ بمصرف اجرای قانون تعلیمات اجباری و تکمیل دبستان و دبیرستانهای آن محل خواهد رسید
نایب رئیس - این در واقع تصویب شده است ، پیشنهاد آقای بهادری قرائت می شود (بشرح زیر قرائت شد)
پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده واحده اضافه شود ،
وزیر فرهنگ مکلف است احتیاجات دانشگاه تبریز را از این محل مرتفع سازد
نایب رئیس - آقای بهادری این اعتبار مربوط بتعلیمات ابتدائی و متوسطه است (بهادری - اجازه بفرمائید بنده يك توضیحی بدهم) بفرمائید
بهادری - در ماده واحده قید شده که این مبلغیکه در نظر گرفته میشود مربوط باحتیاجات تعلیمات اجباری شهرستانها و سایر احتیاجات است آقایان استحضار دارند که دانشگاه تبریز از مؤسسات جدید است و کمک و عنایتیکه همکاران محترم نسبت به دانشگاه تبریز همیشه می فرمایند ، بنده هم متشکرم البته استحضار دارند که اخیراً دانشگاه تبریز نواقصاتی دارد از آنجمله سالن تشریح است که این سالن ساختمان شده و نیمه کاره مانده و همچنین سایر احتیاجات دانشگاه تبریز و مخصوصاً از حیث نداشتن استاد دانشگاه تبریز در مضیقه است این دفعه هم که بنده رفته بودم با آذربایجان ، اتفاقاً دیدم که آقای دکتر هشترودی رئیس دانشگاه آذربایجان که بسیار خوب دانشگاه را اداره کرده تمام این نواقصات را باستحضار وزارت فرهنگ رسانیده اند ولی نمیدانم بواسطه نداشتن بودجه است ، یا چیز دیگر است که آن نواقصات همینطور مانده ، بنده هم بعد از مراجعت از آذربایجان این مطالب را در چندماده خدمت آقای وزیر فرهنگ وباستحضار دولت رسانیده ام اینستکه استدعا میکنم که آقای وزیر فرهنگ قبول بفرمایند که این نواقصات دانشگاه تبریز را هم جزء این مبلغ تأمین و منظور کنند ضمناً از آقایان وزراء هم خواهش دارم که در امورات مربوط باذربایجان از نظریات مشورتی آقایان نمایندگان آذربایجان استفاده بفرمایند

چون نظر مشورتی آقایان نمایندگان مفید است (صحیح است) ولی اغلب يك کارهائی می شود که نظر آقایان جلب نمیشود این را هم برای یاد آوری آقایان وزراء عرض کردم و خواهش دارم که باین مطلب هم يك توجهی بفرمایند
نایب رئیس - آقای مخبر مخبر - خوشبختانه موردی پیدا شد که خود آقایان اقرار بکنند که باید با احتیاجات را در نظر بگیرند تبریز دانشکده دارد ناچار باید برایش هم بودجه ای منظور کرد اگر نداشت بودجه ای هم برایش منظور نمی شد این بهترین دلیل است برای اینکه باید احتیاجات را در نظر بگیرند باین ترتیب در صورتیکه تهیه شده برای اطمینان خاطر آقای بهادری سه میلیون ریال منظور شده است برای چهار دانشکاه و این چهار دانشکده ای که در چهار استان هست سه میلیون ریال منظور شده و نظر آقا هم تأمین است
نایب رئیس - آقای بهادری پیشنهادتان را پس میگیرید؟
بهادری - خیر قربان این مبلغی که ایشان گفتند این نظر ما را تأمین نمی کند با سیصد هزار تومان این احتیاجات تأمین نمیشود
دکتر فلسفی - بنده مخالفم با این پیشنهاد .
نایب رئیس - آقای دکتر فلسفی **دکتر فلسفی** - عرض کنم بنده بایستی با دانشگاه مخالفت کنم مخصوصاً با وجود دانشگاه تبریز که کاملاً لازم است و خیلی هم ضرورت دارد نه تنها دانشگاه تبریز دانشگاه تهران هم همینطور است برای اینکه سه هزار نفر میروند سیصد نفر بیشتر قبول نمی کنند و دبلیش هم اینست که می توانند حوائج آنجا را درست تأمین کنند ولی يك مطلب هست و آن اینست که این لایحه مربوط است بتعلیمات ابتدائی و اگر شما بدانشگاه تبریز توجه دارید بایستی فکر کنید که در هر قریه و قصبه ایران مثلا کلاس پنج ابتدائی داشته میخواهند کلاس ۶ باز کنند و وزارت فرهنگ بودجه ندارد بنده الان خودم در حوزه انتخابیه ام این گرفتاری را دارم در هر قریه ای کلاس پانزدهم را داشته است میخواهند کلاس بالاتر تأسیس کنند وزارت فرهنگ بودجه ندارد اعتبار ندارد بنابراین بنده معتقدم که بودجه دانشگاه تبریز را باید از يك جای دیگر تأمین کنید
نایب رئیس - آقای وزیر فرهنگ **وزیر فرهنگ** - آقایان در نظر دارند که این اعتبارات اضافی است بودجه دانشکده ها و بودجه وزارت فرهنگ دیگر است در ضمن سال تحصیلی معلوم شد که اعتباراتی که در نظر گرفته شده بادر نظر گرفتن کلاسهای اضافی و دبیرستانها و دبستانهای اضافی کفایت نخواهد کرد باین

جهت بفرمایند چون نظرشان تأمین است
بهادری - چون آقای وزیر فرهنگ وعده فرمودند بنده پیشنهاد را پس می گیرم
نایب رئیس - پیشنهاد آقای دکتر بقائی قرائت میشود (بشرح زیر قرائت شد)
ریاست معظم مجلس شورای ملی پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده واحده اضافه شود
تبصره - دولت مکلف است وضعیت استخدامی کارمندان را که بعلت انجام خدمت نظام وظیفه از ترفیع محروم مانده اند اقلاً باوضع متوسط هم دوره های آنها که خدمت نظام را انجام نداده اند تطبیق نماید
وزیر فرهنگ - این نظر تأمین شده است
نایب رئیس - آقای دکتر بقائی **دکتر بقائی** - آقایان محترم توجه دارند که در همه جای دنیا سعی می شود کسانی که بنظام وظیفه میروند بطوری وسایلشان مرتب بشود و مورد تشویق قرار بگیرند که این خدمت ملی را با رغبت و با میل بروند و انجام بدهند . متأسفانه در مملکت ما با وجود اینکه روز اولی که قانون نظام وظیفه گذشت يك پیش بینی هائی درش شده بود که خیلی کمتر حتی به مفاد آن قانون عمل می شود يك کسی که می رود به نظام وظیفه بر طبق قانون محل استخدامش محفوظ است و وقتی که برگشت باید فوراً باو کار داده شود ولی وقتی که از نظام وظیفه معمولاً مرخص میشوند باید چندماه بدون تانکلیف استخدام مجددشان معین بشود و بعد از آن هم باید چندماه صبر بکنند تا بودجه تصویب شود و حقوق بایشان پرداخت شود یعنی یک نفر کارمند دولت اعم از اینکه کارمند فرهنگ باشد یا غیر فرهنگ وقتی که خدمت وظیفه اش را انجام داد تقریباً باید همان دوندگی و زحمتی را که یک نفر تازمی خواهد وارد خدمت دولت بشود ، مجدداً باید انجام بدهد و گمان میکنم راجع باین موضوع آقایان نمایندگان محترم هم توجه داشته باشند که يك قسمت از مراجعات معمولی ما ، مراجعات آن پیچاره هائی است که رفته اند خدمت وطنی خودشان را انجام داده اند (صحیح است) البته يك هدیه ای هستند که بعلت تکلیف باطل دیگری از نظام وظیفه معاف میشوند . یک قسم هستند بیشتر در سابق بودند

البته ، که چون نورچشمی بودند ، آفازاده بودند ، پولدار بودند ، یا هر علت دیگری ، از نظام وظیفه معاف شدند و اینها در دستگاه دولتی مرتب رتبه گرفتند ، اضافه حقوق گرفتند ، ترفیع مقام گرفتند و آن بدبختی که رفته خدمت وظیفه اش را انجام داده وقتیکه می آید بکلی از آنها عقب می ماند . اینکه گفتند در نظر گرفته شده ، میدانم در نظر گرفته شده ، اصل قانون هم در نظر گرفته ولی این نظرهائی که گرفته میشود اجرا نمی شود . این پیشنهادی را که امروز بنده تقدیم مجلس شورای ملی کردم روی تذکری بود که یکمده از آموزگاران نوشته اند که با اجازه آقایان نامه شانرا قرائت می کنم ، « اکنون که اضافه اعتبار وزارت فرهنگ در مجلس مطرح است توجه آنجناب را بمراتب زیر معطوف می داریم تا هر گونه مقتضی بدانند ضمن تبصره ای بلاجه تقدیمی وزارت فرهنگ اضافه فرمایند : ما امضاکنندگان فارغ التحصیل دانشسراهای مقدماتی که در سالهای ۲۰ و ۲۱ با پایه دو آموزگاری بخدمت وزارت فرهنگ وارد شدیم در مهر ۲۹ و فروردین ۳۰ برای انجام خدمت وظیفه بدانشکده افسری رفتیم و برخلاف قانون مصوبه مجلس بعوض یکسال هجده ماه با سخت ترین شرایط در بدترین نقاط مرزی و بد آب و هوا خدمت خود را بی پایان رساندیم »

این يك جمله معترضه است (مکی - آقای وزیر فرهنگ گفتند که آنرا تأمین کردیم) تأمین باید عملاً بشود توی قانون نمیشود اینکار را کرده این را شاید بنده چندین بار این جامه صدع آقایان شده باشم برای این عمل خلاف قانون که در نظام وظیفه صورت میگيرد . برای اولین مرتبه بنده در دوره ۱۵ این را مطرح کردم و بعد در دوره رزم آرا راجع باین موضوع سؤال کردم و البته هیچ توجهی نشد و هیچ جوابی داده نشد بعد در چند ماه پیش این موضوع را تذکرادم و خواهش کردم که در نظر گرفته بشود و هنوز نمیدانم اقدامی شده است یا نه ؟ طبق قانون نظام وظیفه باید اینها یکسال خدمت کنند و اینها را برخلاف قانون شش ماه بیشتر نگاه می دارند و این موضوع مرتب در مجلس مطرح شده ، سؤال شده ، صحبت شده خود بنده هم در دوره ۱۵ مطرح کردم و هم در زمان حکومت رزم آرا سؤال کردم هیچ جوابی داده نشد و معلوم نیست که حالا هم جواب داده بشود یا نه در صورتیکه اینها بعد از يك سال خدمت باید مرخص بشوند و حقیقت واقع هم اینست که احتیاجی بوجود آنها نیست و بی خود آنها را نگاه می دارند . در خلال این مدت . . .

نایب رئیس - تمام شد آقایان ؟
دکتر بقائی - اجازه فرمائید الان تمام می شود این آقایان می نویسند . . . در خلال این مدت طبق بند ماده ۱۴ تصویب

نامه شماره ۷۴۷۹ و ۶۷۹ و ۲۶ بهمدوره های ما که در خدمت فرهنگ بودند يك رتبه اضافی دادند درست کسانی که در مهر ۲۰ و ۲۱ با پایه دو آموزگاری بخدمت وارد شدند در مهر ۲۸ و ۲۹ پایه ۷ آموزگاری دریافت نمودند) چون باستناد دستور جناب آقای وزیر طبق قانون اختیارات کلیه تصویب نامه های ۲۶ و ۲۵ ملغی گردید وزارت فرهنگ بعلت مخالفت وزارت دارائی و اداره بازنشستگی (از صدور ابلاغ بندجم خودداری نمود ولی ضمن لایحه اضافه اعتبار مبلغی برای پرداخت حقوق کسانی که رتبه بندجم آنها بگواهی بازنشستگی رسیده بود منظور داشت و این تنها گناه ماست که زمان اعطای رتبه در خدمت نظام بودیم اینک باسوابق فلان و فلان تقاضا داریم نگذارند يك عمده آموزگار که بهترین دوران جوانی خود را با کمال صداقت صرف آموزش و پرورش فرزندان این مرز و بوم نموده اند از حقوق حقه خود محروم گردند و بادر نظر گرفتن وضع اسفناک این طبقه ترتیبی اتخاذ فرمایند که حق ایشان پایمال نگردد »

این نامه بامضاء یکمده از آموزگاران است البته تنها موضوع آموزگاران نیست وضع کلیه کسانی که بخدمت نظام وظیفه میروند البته همانطور که عرض کردم کسانی که از موضوع خدمت نظام وظیفه معاف میشوند چند دسته هستند که یا نقص جسمانی دارند یا متکفل هستند و واقعاً باید معاف باشند يك عمده دیگری هستند که نورچشمی ها و آقا زاده ها و پشت هم انداز ها هستند که وقتی از خدمت نظام وظیفه معاف میشوند در دستگاہهای اداری هم پیشرفت زیادی می کنند خیلی ها هستند که ممکن است بسمت مدیر کلی هم برسند و در آن پیشنهادی هم که بمجلس تقدیم کردم میخواستم عرض کنم که آنهایکه بنظام رفته اند هم رتبه آنها بشوند چون این ممکن نیست آنها همانطور که از خدمت نظام معاف شده اند پیشرفت هم کرده اند و رتبه های زیادی گرفته اند پیشنهاد کردم جدا قائل آنها بحد متوسط خودشان برسند فرض کنید دو نفر از دانشسرا بیرون آمده اند و بنظام وظیفه رفته اند یکی توانسته است رتبه اش را به ۹ برساند و یکی رتبه ۷ شده آن بیچاره ای که رفته خدمت نظام وظیفه اش را انجام داده دیگر در رتبه ۳ نماند اقل همان رتبه ۷ آن کسی که رفته بود بنظام وظیفه در پاره او هم منظور بشود و خواهش میکنم باوجودیکه گفته شده منظور شده آقایان نمایندگان محترم باین پیشنهاد رأی بدهند برای این که این منظور شد تنها کافی نیست و تارای داده نشود اینکار عملی نیست و مشکل است با اجرا در بیاید

نایب رئیس - آقای دکتر بقائی **دکتر بقائی** - فقط يك کلمه می - خواهم يك اصلاحی بکنم راجع بيك موضوعی

که گرچه مربوط باین پیشنهاد نیست ولی چون دوست عزیز ما آقای مهندس حسینی فرمودند با تقدیر از حسن نیت ایشان چون ایشان جنبه دوستی را غالباً زیاد مراعات می کنند (مهندس حسینی هیچ همچو چیزی نیست آقای دکتر بقائی) بنده که هنوز چیزی نگفته ام ولی بنده اطلاع دارم که کارگران و کارمندان شرکت نفت نسبت به آقای دکتر فلاح خوشبین نیستند (صحیح است) (شمس قنات آبادی - آقای بیات هم خوش بین نیستند) و بطوریکه در يك مجلس آقای مکی راجع باین جریان چند روز اخیر آبادان میگفتند این تحریکاتی که شده بود در اثر تحریک شخص آقای دکتر فلاح بوده که میخواسته اند مدیر عامل بشوند (مهندس حسینی آقا این صحیح نیست چرا این حرفها را می زنی؟) اجازه فرمائید آقای مهندس حسینی وسط حرف من ننویسد آقای مهندس حسینی چون این مطلب را نمیخواستم بگویم ولی مجبور شدم بگویم کسی که نشان وفاداری دولت انگلیس را داشته باشد این شخص بعقیده بنده قابل اعتماد نیست چون انگلیس ها بیدلیل بکسی نشان وفاداری نمیدهند

نایب رئیس - آقای مخبر **مخبر** - در این ماده و در این صورت ریز که بنامم هست از کمیسیون بودجه مجلس بگذرد اعتبار اضافه و ترفیع معلمینی که خدمت نظام وظیفه را پایان داده اند وجود دارد حالا اگر هم میخواهند رأی بگیرند بگیرند .

نایب رئیس - آقای مهندس زیرک **زاده مخالف** (زیرک زاده - عرضی ندارم) کسی تقاضای مخالفت نکرده است ؟ (اخگر - بنده مخالفم) فرمائید

اخگر - يك مطلبی جناب آقای دکتر فرمودند که من منوجه نشدم و می خواستم باین وسیله سؤالی بکنم و روشن بشویم فرمودید که در سال ۲۶ وارد آموزگاری شده اند و در ۲۹ رفته اند بنظام وظیفه ، اگر نظام وظیفه را در ۲۰ سالگی بروند آنوقت میبایستی که در ۱۲ سالگی رفته باشند بآموزگاری چون این برای بنده قابل فهم نبود خواستم سؤالی کرده باشم که برای بنده روشن بشود در اصل مطلب هم قانونی گذشته است که هر کس رفته است بنظام وظیفه وقتی برگشت باید برود سر جای خودش و آنها هم قبول بکنند اگر قانون را اجرا نمی کنند باید به این عنوان اعتراض کرد و الا می قانون بگذرانید چه فایده ای دارد ؟

نایب رئیس - پیشنهاد آقای دکتر بقائی دوم رتبه قرائت می شود (بشرح سابق قرائت شد) **آقایانی که باین پیشنهاد موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد .**

آقایان توجه فرمائید بلکه این کار را تمام بکنیم .
پیشنهاد آقای بهادری قرائت می - شود :

(بشرح زیر قرائت شد)
تبصره ذیل را برای الحاق بماده واحده پیشنهاد می نمایم :
هر يك از دانش آموزان دبستان و دبیرستانها که داخل در احزاب سیاسی بشوند و یا در مدارس مرام حزبی را تبلیغ نموده و یا اعلامیه و بیانیه احزاب یا منتسب باحزاب را ترویج و توزیع نموده یا آنرا بفروش رسانند و یا افرادی گروهی از دانش آموزان را بوسیله افراد یا دسته دیگر تحریک نموده و یا اغوا باعتصاب یا شورش یا توهین بآموزگاران و دبیران و ادار نماید به حبس تأدیبی از ششماه الی یکسال محکوم گشته و از مدارس دولتی اخراج می - گردند .

(همه نمایندگان - زنك رئیس)
مهندس حسینی - این پیشنهاد مال کدام بی اطلاعی است ؟

دکتر شایگان - این چه ربطی بلاجه اضافه اعتبار وزارت فرهنگ دارد ؟

مهندس حسینی - پس همه مملکت را بحسب تبدیل کنید .

شمس قنات آبادی - همچنانکه آقای وزیر فرهنگ کرده اند الان توی دبیرستان دارالفنون سرهنک انتظامی هست .

مهندس حسینی - همه اش حبس ؟

نایب رئیس - آقای بهادری **بهادری** - بهادری اجازه فرمائید

آقای من ، عصبانی هم نشوید . پیشنهاداتی که داده می شود رأیش با مجلس است و هیچوقت هم که آقایان پیشنهاد داده اند ما عصبانی نشدیم و دادو قال هم راه نینداختیم و پنج شش ماه هم هست که سکوت کردیم و هیچ حرفی نزدیم . حالا هم اگر اجازه نمی دهید بروم بنشینم سر جایم . بنده این پیشنهاد را برای این دادم که فرهنگ ما آقایان تصدیق دارند که وضعیتش طوری شده است که مرکز سیاست شده این راه آقایان تصدیق دارند که تمام اوضاع فرهنگ ما اختصاص یافته برای تبلیغ و تحریک و دانش آموز ده دوازده ساله که میرود مدرسه تحت تأثیر این عوامل قرار گرفته عوض این - که تحصیل بکنند دنبال سیاست بازی می - افتد من نمی گویم که نباید شخص وارد سیاست باشد (امامی اهری - محصل نباید باشد) (دکتر ضجایی - بچه ۱۲ ساله را چطور می شود حبس کرد؟) البته از ۱۸ سال ۲۰ سال بعد که در دانشگاه هستند میتوانند باشند (عسکری - چطور بچه ۱۲ ساله وکیل مؤسسان میتواند درست کند؟) بچه ۲۸ ساله که در دانشگاه است من نمیگویم

در سیاست وارد نباشد اما الان بجهای ده دوازده ساله در این دبستانها تحصیل میکنند و کارشان سیاست بازی است اگر آموزگار هم دنبال این حرف را بگیرد، که چرا درس نمیخوانید اعتصاب میکنند هتاکی میکنند، برای اینکه فرهنگمان دوام و قوامی داشته باشد این پیشنهاد را دادم و عصبانی شدن هم ندارد

نایب رئیس - آقای دکتر شایگان
دکتر شایگان - در اصل مطلب گمان میکنم که همه نمایندگان محترم موافق هستند که محصل بخصوص محصلی که در مدرسه ابتدائی و مدرسه متوسطه هست بایستی تمام همش صرف این بشود که قوای روحی و جسمی خودش را تقویت کند و خارج از امور مدرسه دیگر کاری نکند (صحیح است) این را همه توافق دارند محصل در دوره تهیه است، دوره تهیه یعنی دوره ای که هنوز قوایش کافی برای اظهار نظر در مسائل عظیم سیاسی درجه اول نیست. ماها که ریشمان بکمرمان رسیده هنوز در این مسائل کمبتمان لنگ است و بطریق اولی بچه ۱۲ ساله ۱۴ ساله ۱۶ ساله نمی تواند در این مسائل اظهار نظر بکنند ولی صحبت در اینست که چطور میشود جلوی گیری از اینکار کرد یکی از نمایندگان محترم الان پیشنهادی داد که بنده رای ندادم و آن مسئله این بود که بنظر ایشان رسیده بود که جلوگیری از این باینوضع میشود که معلم را بگویند اگر تو از این حرفها زدی ما تو را اخراج میکنیم و منتظر خدمت میکنیم البته تصویب هم شده حالا رسیده ایم بجایی که محصل راهم باین ترتیب میخواهیم تحت قانون بیاوریم آنهم قانونی که با هیچیک از اصول جور در نمی آید او را بیاوریم و محکوم این قانون بکنیم مطلب اینست که بایستی جلوگیری بشود از اینکه وقت محصل در چیزهایی که در محیط اطلاع او نیست صرف بشود اینکار را بایستی وزارت فرهنگ بکند اینکار را بایستی مدیران مدارس بکنند اما دیگر از حدود مدیر مدرسه نمیتواند خارج بشود. گفتن این مطلب آسان است. بچه است. همه جور حرف میزنند هر چقدر ندرامکن است بگویند ولی برای اینکه آقایان درک بی اساسی این مطلب را بکنند در نظر بگیرند که یکی از بجهای خودشان را که ۱۲ یا ۱۳ ساله است توی مدرسه است این بچه ۱۲، ۱۳، ۱۵ ساله را بگیرند حبس بکنند مگر می شود بچه را حبس کرد؟ کجا او را حبس بکنند، حبس یعنی چه؟ بچه مدرسه را مگر میشود حبس کرد؟ جنایت هم اگر بکنند هیچیک از قوانین همچو اجازه را نمیدهد اگر جنایت درجه اول هم بکند تازه او را حبس نمیکنند بگویند باید او را برد یک جا نگاهداری کرد برای تربیت، برای او دارالتأدیب درست میکنند ما الان وسیله نداریم. جا

نداریم که آنهایکه جنایتهای درجه اول میکنند نگاهداری کنیم. آنوقت بچه را هم بیزیم حبس کنیم. این با هیچیک از اصول حقوقی و جزائی جور در نمی آید (امامی اهری - منظورشان همین بود که فرمودید) آخر منظور را از آن نوشته می خوانند از آن بیانی که میکنند میخوانند. عرض کردم اگر منظور اینست که آقایان بگویند که وزیر فرهنگ، معلمین، استادان جلوگیری بکنند از اینکه جوانی هنوز نارس است، نابالغ است چیزی نمیفهمد و در سیاست نشود، همه موافق هستند ولی اگر بخواهند حبسش بکنند بنده مخالفم و گمان میکنم آقایان هم مخالف باشند (صحیح است)

بهادری - اجازه میفرمائید؟
نایب رئیس - بفرمائید
بهادری - بنده از بیانات جناب آقای دکتر شایگان استفاده کردم و بنده هم مقصود و غرض از اینکار نداشتم و قسمت عمده از آنهایی که در دبیرستانها وسیله تحریک فراهم میکنند محصلینی هستند که از نظام وظیفه فرار میکنند و میروند اسم نویسی می کنند که نروند بنظام وظیفه و آنجا وسیله تحریک میشوند بنده غرضی ندارم یک راهی برای محصلین در نظر گرفته بشود که این نظر ما تأمین بشود بنده صرف نظر میکنم و پس هم میگیرم (احسن است)

نایب رئیس - پیشنهاد آقای جلیلی قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد)
پیشنهاد مینمایم که تبصره ذیل بماده واحده اضافه شود:

کارمندان وزارت فرهنگ که دارای پایه دبیری یا آموزگاری هستند منحصرأ بشغل دبیری و آموزگاری گمارده شوند.
نایب رئیس - آقای جلیلی بفرمائید
جلیلی - این پیشنهادی را که بنده دادم آقایان میدانند که اول سال تحصیلی که میشود در ولایات و مخصوصاً دبیرستانها فاقد دبیرند و وقتیکه مراجعه میکنند آقایان و کلا بوزارت فرهنگ میگویند که ما دبیر نداریم دبستانها را هم می بینیم که معلم ندارند و در عین حال مادبیرهایی داریم که با پایه دبیری شغلهای اداری دارند یا بازرسان یا رئیس کارپردازی هستند و در همان قسمت های ولایات آنها را داریم در مرکز هم داریم بنابراین بنده پیشنهاد کردم که ما که احتیاج بدبیر و آموزگار داریم آنهایی که دارای رتبه دبیری هستند از وجود شطن استفاده بکنیم در همان رشتهای که آنها تحصیلاتشان در آن رشته بوده و تخصص دارند و الان می بینیم که محصلین ولایات که می آیند در مرکز و در کنکورها شرکت میکنند از محصلین مرکز ضعیف تر هستند وقتی که وقت می کنیم می بینیم که در بعضی موارد دبیر نداشته اند مثلاً دبیر زبان ندارند

یادبیر شیمی ندارند و در عین حال هستند اشخاصی که دبیر هستند ولی کارهای اداری دارند این پیشنهادی بود که بنده کردم و از طرفی مامی بینیم که اظهار میکنند که در وزارتخانهها ما کارمندان زیادی داریم و خوبست که اینها را بردارند و بیاورند و در کارهای اداری وزارت فرهنگ از آنها استفاده کنند و این آقایان دبیرانی که با اسم بازرسان و کارپردازان در ولایات و در مرکز هستند اینها را سرکار معلمی بگذارند

نایب رئیس - آقای وزیر فرهنگ **وزیر فرهنگ** - مستخدمین وزارت فرهنگ که رتبه دبیری دارند اغلب دبیرهایی هستند که پس از سالها خدمت دبیری بر اثر خستگی باعث شده است که کارشان عوض بشود و اینها کارهای دبیری را که برعهده داشته اند انجام داده اند آقایان تصدیق دارند که کار دبیری کار آسانی نیست و خیلی بیشتر از سایر خدمات دولتی انسانرا خسته و فرسوده میکند و مخصوصاً وقتی دبیری باین حال رسید بعد از ۱۵ سال بیست سال خدمت در مدراس که خسته شدند ما آنها را متقاعد میکنیم از کار برکنار میکنیم و باید کار دیگری در اداره دیگری با همان مزایای دبیری که داشته بهش بدهیم و اگر این کار را نکنیم دیگر کسی رغبت بشغل دبیری نخواهد داشت این است که تقاضا می کنم این پیشنهاد را مسترد بکنید بنده در این مدت برای اطمینان آقایان عرض میکنم که تمام اعضای وزارت فرهنگ یعنی آن عده ای که شایستگی دبیری داشته اند رتبه دبیری داشته اند رتبه دبیری هم نداشته اند در خدمت وزارت فرهنگ بوده اند همین اندازه که ما تشخیص دادیم که میتواند تدریس کنند ساعات تدریس هم برایشان تعیین کرده ایم که بتوانند تدریس کنند البته در ولایات هم این قسمت عملی خواهد شد که کسر دبیر هم باین ترتیب تأمین میشود ولی اینکه جلوی دبیر را بگیریم که از خدمت نتواند خارج بشود این اشکالات زیادی دارد

نایب رئیس - آقای ناظرزاده
ناظرزاده - یکی از اعتراضات دبیران در این مملکت همیشه این است که میگویند چون اشخاص اداری را شغلهایی میدهند که با کار ما همیشه تماس دارد درست متوجه درد ما نیستند و نمی دانند که دبیران کشور چه احتیاجاتی دارند بنابراین اگر بنا باشد که این پیشنهاد عملی شود دبیران اعتراض دبیران کشور بیشتر خواهد شد خود وزارت فرهنگ این قسمت را در نظر گرفته که حتی بیشتر آقایانی که سمت بازرسان دارند تدریس هم بکنند منظور آقای جلیلی هم تأمین می شود و اگر نظری دارند باز هم ممکن است پیشنهاد بکنند که ترتیب اثر داده شود بنابراین تقاضا میکنم این رایس بگیرند که این چهار تا پیشنهاد دیگر هم

تمام شود
فرامرزی - کنار کود نشسته اید میگویند لنگش کن دو ساعت اگر توی مدرسه درس بدهد معنی درس دادن را می فهمید
جلیلی - بنده پیشنهادم اینست میگیرم ولی آنرا دارم که توجه بفرمائید یعنی وزارت فرهنگ اقدام کند

نایب رئیس - پیشنهاد دیگری قرائت میشود
(پیشنهاد آقای مدرس زیر کزاده شرح زیر قرائت شد)
پیشنهاد میکنم بنای دبیرستانها و دبستانهایی که از این محل تأمین می شوند بعهده اهل محل باشد

نایب رئیس - آقای مدرس زیر کزاده
مدرس زیر کزاده - ممکن است که پیشنهاد بنده خیلی بد نوشته شده باشد (صحیح است) آقایان خواهند بخشید منظور این است که از این محل بودجه ای که دبیرستان یا دبستانی ساخته میشود در یک مکانی اهل آن مکان بنا را خریدار میکنند یک قانونی در این مملکت بوده است باسم قانون تعلیمات اجباری در آن موقع که این قانون را گذراندند بنده قفسر کردم که آقایان میدانند که این قانون چگونه اجرا خواهد شد ولی بعد از آن چند سال که گذشته است نه تنها ما قانون تعلیمات اجباری را عمل نکردیم بلکه یک تعلیمات تکمیلی داریم یعنی دولت مدرسه باز نمی کند و مردم فشار می آورند دولت هم در نتیجه فشار مردم مجبور است یک مدرسی را باز بکند هلت این پیش آمد این است که فرهنگ و تعلیمات اجباری بدون کمک مردم میسر نیست هیچ بودجه ای در هیچ مملکتی قادر نیست که تعلیمات اجباری در یک مملکت بدون کمک مردم بقرار شود هیچ جا نشده و در این جا هم عملی نخواهد شد دو سال قبل تعلیمات اجباری صدی بیست و پنج کسر داشت یعنی کسر محلو کسر علم و مسلماً این کسر الان در حدود صدی سی و پنج رسیده است و دولت های ایران بر فرض اینکه بودجه فرهنگ را هم از این بکنند قادر نخواهند بود این کار را انجام بدهند الان تمام مردم ایران احتیاج بفرهنگ دارند علاقه بفرهنگ دارند این علاقه باندازه ای شدید است که اگر وزارت فرهنگ اقدامی بکند فعلاً نتیجه بزرگ گرفته میشود بزرگ ترین کمکی که مردم میتوانند بکنند ساختمان است ساختمان دبستان و حتی مردم حاضر میشوند باینقدر کار ساختمان شرکت کنند آجر می آورند سنگ می آورند و بنارا خودشان میسازند شایم این بودجه ای که صرف بنا و تأسیسات بکنند فقط طرف معلم بکنند متهمی بشود آنها بگویند اگر

بدرسه میخواهد خودتان بنایش را باید
 هد من معلمش رامی دهم باین ترتیب بنده
 سور میکنم خیلیها اینکار را بکنند بنده
 ین دارم میکنند استفاده ای که بموجب این
 بار میشود دو برابر اینکاری است که الان
 شود بنده مقصودم این بود که خرج تأسیسات
 ائی صرف معلم بشود صرف آموزگار بشود
 بنا را خود اهل محل بسازند بآن یولدارهائی
 که صاحب ملک هستند باید گفت که فرهنگ
 مملکت که ک بکنید والله بالله مردم
 یر حاضرند که مدرسه درست کنند حاضرند
 کار کنند مدرسه بسازند این صاحب ملک
 است که حاضر نیست زمین بدهد هر جا که
 بگویند ماه مدرسه میخواهیم بگویند تو بنا ساز
 بلم حاضر است

نایب رئیس - آقای نبوی مخالفید
 فرمائید
نبوی - اصل فکر جناب آقای مهندس
 یرک زاده خیلی خوب است ولی این فکر را
 در موقع دیگر و بموجب قانون دیگری میشود
 تأیید کرد (ناصر ذوالفقاری - در قانون شهرداری
 ها هست) چون در این قانون بموجب پیشنهاد
 هائی که آقایان کرده اند خلاف این ذکر
 شده این قانون باید منسوخ و آن چیزهائی
 برسد که در این جا قید کرده اند الان در دهات
 عمل وزارت فرهنگ همین است دبستان نمی
 سازند دبستان هم که بطریق اولی نمی
 سازند در بسیاری از جاها عوارض محلی وضع
 کرده اند و از آن محل مدرسه میسازند بنده
 اطلاع دارم که در مشهد دو مدرسه ساخته می
 شود در نیشابور در نتیجه اقبالی که مردم
 کرده اند قریب ده مدرسه در شهر و بیش از
 بیست مدرسه در قراء ساخته شده و اگر مایک
 رویه ای میخواهیم برای ساختمان دبستان و
 دبیرستان اتخاذ کنیم این یک قانون خاصی
 میخواهد الان مثل یک مالیات نمیشود وضع
 کرد و برای اینکه اینکار زودتر بگذرد خواهش
 میکنم این پیشنهاد را پس بگیرند و آنچه
 که بنده شنیده ام شاید ده بیست پیشنهاد
 دیگر هست که آنها هم وقت میخواهد و نمی
 دانم با امروز میرسد یا نه

نایب رئیس - آقای س میگیرید؟
مهندس زیر کزاده - بلی پس
 گرفتم
نایب رئیس - پیشنهاد دیگری قرائت
 می شود
 (پیشنهاد آقای ملک مدنی شرح
 زیر قرائت شد)
 تبصره زیر را پیشنهاد مینمایم در قسمت
 هائی که عشایری است و بیلاق و قشلاق مینمایند
 وزارت فرهنگ مکلف است آموزگار سیار
 برای عشایر تعیین نماید که در موقع بیلاق و
 قشلاق بچه های عشایر بتوانند از آموزش
 ابتدائی استفاده نمایند
نایب رئیس - آقای ملک مدنی
ملک مدنی - بنده این پیشنهاد را

کردم برای اینکه تذکری بجناب آقای وزیر
 فرهنگ بدهم گویا آقای پورسرتیب هم پیشنهاد
 دیگری در این زمینه کرده اند عشایر ما که از
 قسمتهای خیلی مفید مملکت هستند بواسطه
 داشتن مقتضیات محلی ناچارند که بیلاق و قشلاق
 کنند و اینکار را یکی دوبار خواستند بکنند
 عملی نشد و عملی هم نیست زیرا اشخاصی که
 عقب گوسفند هستند و یک واحد بزرگی را
 هم تشکیل میدهند این عشایرند و ما نباید
 بآنها بی توجه باشیم باید دولت جناب آقای
 دکتر مصدق ضمن اصلاحاتی که در نظر دارد
 یک راهی هم برای اینکار در نظر بگیرد و یک
 فکر اساسی بکند این عشایر مملکت ما که
 از بهترین طبقات کشور ما هستند مالیات هم
 می دهند در گذشته هم همیشه حافظ سرحدات
 این مملکت بوده اند اینها باید وسایل تعلیم
 و تربیت برایشان فراهم بشود و بنظر بنده آمد
 که پیشنهاد بدهم که یک آموزگارهای سیاری
 باشند که همینطوریکه اینها در جریان بیلاق
 و قشلاق هستند بچه های عشایر بتوانند از
 اینها استفاده کنند مملکت ایران همانطوری
 که گفته شد تنها طهران نیست تنها این
 یک میلیون و دویست هزار نفر سکنه طهران
 نیست از ارس گرفته تا بندر عباس و از قصر
 شیرین تا بروجرد سرخس و سرحدات شرق
 همه ایران است باید دولتهائی که روی کار
 می آیند و میخواهند اصلاحات بکنند باید
 مردم ولایات توجه داشته باشند ما که نمایندگان
 مردم ولایات هستیم نماینده همه جای این مملکت
 هستیم این تذکرات را که عرض میکنم من خواستم
 که توجه فرمائید باین موضوع و برای این
 کار فکری بکنید و بنده میل دارم که اگر
 جناب عالی (خطاب بآقای وزیر فرهنگ)
 مطالباتی فرموده اید در این زمینه یک جوابی
 ببنده بدهید که مردم عشایر هم بدانند که
 آقای دکتر آذر و وزیر فرهنگ روشنفکر هم
 بفکر آنها هست و وضع حاضر هم با وضع
 گذشته تفاوتش این شده که آنها هم حاضرند
 بچه شان سواد پیدا کنند و از سواد که بزرگترین
 نعمت و سعادت بشر هست استفاده کرده
 باشند

نایب رئیس - آقای وزیر فرهنگ
وزیر فرهنگ - بنده که با ایشان و
 آقای پورسرتیب که مذاکره کردیم قرار
 شد که تشریف بیاورند بوزارت فرهنگ با آقای
 رئیس فرهنگ شهرستانها صحبت کنیم
 و قراری برای این کار بگذاریم
 و منظور آقایان را با یک ترتیبی عملی کنیم
 انشاء الله البته توجه هست ولی اشکالش این
 است که معلم که نمی آید عشایری بشود مگر از
 میان همان عشایر معلم انتخاب کنیم والا
 معلمی که مقید بقانون بشود گمان نمیکنم
 بتوانیم تهیه کنیم باید یک تدابیر قطعی تر و
 دقیقتری اتخاذ شود و باینصورت در این
 قانون گمان نمیکنم عملی بشود
ملک مدنی - بنده منظورم این بود

که خواستم تذکری داده باشم و امیدوارم
 با این بیاناتیکه فرمودند اقدامی در این مورد
 فرمائید پیشنهادم را هم پس گرفتم
نایب رئیس - پیشنهاد دیگری قرائت
 می شود
 (پیشنهاد آقای پورسرتیب شرح
 زیر قرائت شد)
 تبصره ذیل را بماده واحده پیشنهاد
 می کنم
 تبصره - وزارت فرهنگ مکلف است
 که برای تعلیم و تربیت اطفال عشایر با جلب
 نظر مطلعین و در نظر گرفتن طرز زندگی
 آنان برنامه و روشی تعیین و ضمن گزارش به
 مجلس شورای ملی در سال آتی بموقع اجرا
 بگذارد

نایب رئیس - آقای پورسرتیب
پورسرتیب - بنده بحسن نیت جناب
 آقای وزیر فرهنگ و دولت عقیده دارم ولی
 در ضمن معتمد و آقایان نمایندگان محترم
 هم معتقدند که بایستی مردم هم یک وضعی پیدا
 کنند که در این مملکت بتوانند منشاء یک اثری
 باشند (خسر و قشقائی - منشاء اثر هستند ولی اثر بد)
 بلی منشاء اثر بد هستند همانطور که در جلسه
 گذشته عرض کردم هر وقت موضوع اصلاحاتی
 است ابتدا نامی از عشایر نیست اما در یک
 موارد خاصی اینها بنام افراد میهن پرست
 و وطن دوست و شاه پرست و از این حرف ها
 خیلی درباره شان زده میشود اما نه فرهنگ
 دارند نه بهداشت دارند ، هیچ چیز ندارند
 هر وقت هم حرف میزنیم میگویند وضع
 زندگی عشایر طوری است که ما نمی توانیم
 بآنها کمک کنیم اگر وضع زندگی ایشان
 بد است این طرز زندگی ایشان را عوض کنید
 اگر میدانید زندگی آنها مفید برای
 مملکت است گوشت مرغ و غنم ، لبنیات هر چه
 هست در این مملکت که لازم برای این
 مملکت است آنها تهیه میکنند کاری کنید
 که برای آنها مفید باشد و متناسب زندگی
 فعلیشان بیابید یک ترتیبی بدهید که از این
 لوازمی که شهرها و دهات آنها استفاده میکنند
 از قبیل فرهنگ ، بهداشت آنها هم استفاده بکنند
 ولی اگر واقعا می فرمائید که همینطور زندگی
 کنند (اخگر - بهتر این است که در یک
 جا ساکن بشوند) اگر ساکن بشوند
 زندگی ایشان از بین میرود ، بهر حال یک
 فکری هم بحال اینها بکنید

نایب رئیس - آقای ناظرزاده
ناظرزاده - کسی در مجلس نیست
 که از لحاظ بهبود وضع عشایر رشید و وطن
 پرست مملکت نخواهد کمک بشود ، این
 موضوع مورد قبول ما هست ولی یواش
 یواش فراموش شده که این ماده واحده
 کمک اعتبار وزارت فرهنگ است آقای وزیر
 فرهنگ قبول فرمودند که مخصوصاً یک
 دایره ای بنام دایره عشایر در وزارت فرهنگ
 تشکیل بشود برای همین کارها و این ماده ای
 که شما داده اید مربوط بسال آتی است؟

(پورسرتیب - بلی راجع بسال آتی است)
 خیلی خوب اگر آقایان رأی بدهند برای سال
 آتی اشکالی ندارد
نایب رئیس - آقای خسرو قشقائی
خسرو قشقائی - حق بود که این
 پیشنهاد را بنده میکردم ولی چون مطمئن
 بودم که دولت کوچکترین توجهی در اینکار
 نخواهد کرد بنده پیشنهاد نکردم چندی قبل
 که کابینه آخری آقای دکتر مصدق تشکیل
 شد بنده یک نامه ای خدمت ایشان تقدیم
 کردم و تقاضای کمک و توجه بوضع عشایر
 ایران کردم متأسفانه کوچکترین تأثیری
 نکرد و برای هر کاری قانون گذرانند
 بودجه تصویب کردند تمام پیش بینی ها را
 کردند ولی متأسفانه برای عشایر کوچکترین
 اهمیتی قائل نشدند و توجهی نکردند در
 صورتیکه یک چهارم جمعیت ایران را
 عشایر تشکیل میدهد ولی نمیدانم واقعا
 دولت تا کی می خواهد بنشیند و تماشا کند
 که وضع عشایر اینطور باشد و آقای وزیر
 فرهنگ هم بیایند پشت این تریبون و فرمایند
 که ما معلم سیار نمی توانیم بفرستیم آقا
 وقتی که شما اینها را می خواهید بزنید چندین
 میلیون می توانید خرج کنید تا نیک و مسلسل
 بفرستید اینها را بکشید ولی چهار تا معلم
 نمی توانید بفرستید بنده می خواهم باز هم
 تذکر بدهم که باین جمعیت ایران که یک
 قسمت اعظم از جمعیت ایران را تشکیل
 می دهند توجه کنید بتاريخ اینها نگاه کنید
 در سیصد چهارصد سال گذشته همیشه حافظ
 ایران اینها بوده اند ولی متأسفانه با خوشبختانه
 نمیدانم روی چه سیاستی در این سی سال اخیر
 تصمیم گرفتند که اینها را بگیرند و بکشند
 نمی دانم روی چه حسابی و چرا اینکار را کردند
 ولی متأسفانه بهترین فرصت را در ۲۰ سال
 گذشته که در ایران امنیت کامل بود و
 دنیا اجازه می داد که برای اینها اصلاحاتی
 بکنند نکردند و بجای اینکه اینها را تشویق
 بکنند نایبها سرهنگ شدند سر لشکرها
 سپهبد شدند تمام سینه ها پر از
 مدال شد برای چه ؟ برای اینکه برادرهای
 خودشان را بدار کشیده اند یک سرهنگی
 راننده می شناسم که افتخار میکرد که در
 احمدی بلوطی بود که من بآن کسی را دار
 نکشیده باشم (افشار صادق - اینطور نیست)
 اجازه فرمائید جناب عالی متکلم وحده هستید
 استدعا میکنم توجه فرمائید در این سی سال
 بسیار کارهای خوبی کردند ولی متأسفانه
 بزندگی عشایر توجه نکردند حال بنده از جناب
 آقای وزیر کشور و از جناب آقای وزیر
 فرهنگ استدعا میکنم که یک توجه بیشتری
 باین موضوع بکنند و مخصوصاً در جهت
 دولت این موضوع را مطرح کنند که یک
 فکر اساسی واقعا برای این عشایر بکنند
 اگر میتوانند از بین ببرند که واقعا آنها را
 از بین ببرند اگر نمیتوانند یک فکری بکنند

که يك چهارم مردم ايران كه جزه اين مملكت هستند صاحب زندگى باشند خانه داشته باشند لانه داشته باشند مخصوصاً فرهنگ داشته باشند

افشار صادقى - شما آنجا همرا بدارم بکشيد

(همه شديده ، زنك رئيس دعوت بسكوت)

خسر وقشقائى - آقاى افشار شما با اينكه و كيل عشاير هستيد غير از اين كه اينجا از نظامى ها دفاع كنيد كار ديگرى نداريد

بهادري - از حق نبايد گذشت (زنك رئيس - دعوت بسكوت)

قشقائى - حق داريد عصبانى شويد موضوع فرهنگ مطرح است اگر مردم سواد داشتند كه شما نميتوانستيد حكومت كنيد

نايب رئيس - پيشنهاد آقاى پور - سرتيب مجدداً قرائت ميشود

(بشرح سابق مجدداً قرائت شد)

وزير فرهنگ - بنده قبول ميكند **نايب رئيس** - راي ميگيريم پيشنهاد آقاى پور سرتيب آقاى انبكيه موافقت قيام بفرمايند

(اغلب برخاستند)

تصويب شد . پيشنهاد ديگرى قرائت مى شود

(پيشنهاد آقاى شهيدى بشرح زير قرائت شد)

رياست محترم مجلس شورى اعلى پيشنهاد مينمايم تبصره زير بماده واحده اضافه شود

تبصره - در اجراى اين قانون داوطلبان محلى براى شغل آموزگارى با رعايت شرايط مقرر حق تقدم خواهند داشت

نايب رئيس - آقاى شهيدى

شهيدى - مقدمه اى خواستم عرض كنم يكي از علل رد شدن اين پيشنهادات عدم توجهى است كه آقاى پور دارند بنده تمنى دارم كه اين عدم توجه شامل پيشنهاد بنده نشود

بنده پيشنهاد كردم

كه در اجراى اين قانون داوطلبان محلى براى شغل آموزگارى با شرايط مساوى حق تقدم خواهند داشت (صحيح است) حالا كه اين اعتبار را ما داريم راي ميدهيم هم جلوگيرى بشود از بيچارگى مردم وهم تصديق ميفرمايد كه يك آموزگارى كه با ۱۰۰ تومان حقوق استخدام ميشود وقتى اهل محل نباشد وقتى وارد محل شد بواسطه نداشتن خرج معيشت و خانه مسلماناً با فراغت خاطر نمى تواند انجام وظيفه بكنند

با اينكه ناچار است از راه راست و درستى و امانت خارج بشود اما يك نفر آموزگار اهل محل كه هم علاقمند بعمل است مسلماً با اين حد اقل حقوق وظيفه اش را مى گواند بهتر انجام بدهد بنا بر اين بنده اين پيشنهاد را كردم كه

الان داوطلبان كه در محل هستند و دارى گواهى نامه ابتدائى و متوسطه هستند اين ها را بر ديگران مقدم بدارند

نايب رئيس - آقاى وزير فرهنگ

وزير فرهنگ - البته اين پيشنهاد مورد قبول وزارت فرهنگ است براى اينكه بسيارى از مشكلات را بر طرف ميكند ولى بنده يك اصلاحى در شى مى كنم كه داوطلبان محلى در صورتيكه واجد شرايط آموزگارى باشند البته مقدمند و وزارت فرهنگ هم هميشه اينها را مقدم ميداند براى اينكه با اين ترتيب اشكال بر طرف ميشود البته اعزام آموزگار بولايت و نقاط دور دست كار بسيار مشكللى است ولى در محل اگر بوده باشند و واجد شرايط هم بوده باشند جايشان بالاى چشم ماست اما اگر واجد شرايط نباشند ديگر من نمى توانم موافقت كنم البته با اصل و روح اين پيشنهاد كمال موافقت هست اگر ترتيبى كه گفته شد تصحيحش بفرمائيد موافقت ميشود

نايب رئيس - آقاى دكتور كيان مخالفيده؟ (دكتور كيان - بلى)

نايب رئيس - پيشنهاد مجدداً قرائت ميشود

(پيشنهاد آقاى شهيدى مجدداً بشرح سابق قرائت شد)

شهيدى - اجازه بفرمائيد واجد شرايط آموزگارى بهش اضافه شود

نايب رئيس - آقاى دكتور كيان مخالفيده؟

دكتور كيان - با اصلاحى كه فرمودند ديگر مخالف نيستم و موافقم

نايب رئيس - آقاى مهندس غروى مخالفيده؟ بفرمائيد

مهندس غروى - بنده مخالفتم با اين پيشنهاد فقط براى اين است كه يك توضيحي داده باشم

نايب رئيس - راجع باين پيشنهاد بفرمائيد

مهندس غروى - اجازه بفرمائيد اگر راجع باين پيشنهاد نبود هر چه مى خواهيد بگوئيد ميخواهم عرض كنم كه اين جا گفته شده كه استخدام بانوان براى آموزگارى ممنوع است (بعضى از نمايندگان - ميگويند در مدارس دخترانه ما حتماً مرد بايد برود درس بدهد (بعضى از نمايندگان - خير) بنده عرض مى كنم كه در رشت مطابق اين تلگرافى كه دارم از رشت مينويسند ممنوع شده كه بانوان براى آموزگارى استخدام شوند

نايب رئيس - پيشنهاد آقاى شهيدى يكبار ديگر با اصلاحى كه کرده اند قرائت مى شود

(بشرح زير قرائت شد)

پيشنهاد مى نمايم تبصره زير بماده واحده اضافه شود:

تبصره - در اجراى اين قانون داوطلبان محلى براى شغل آموزگارى با رعايت شرايط مقرر حق تقدم خواهند داشت

نايب رئيس - آقاى شهيدى

شهيدى - مقدمه اى خواستم عرض كنم يكي از علل رد شدن اين پيشنهادات عدم توجهى است كه آقاى پور دارند بنده تمنى دارم كه اين عدم توجه شامل پيشنهاد بنده نشود

بنده پيشنهاد كردم

كه در اجراى اين قانون داوطلبان محلى براى شغل آموزگارى با شرايط مساوى حق تقدم خواهند داشت (صحيح است) حالا كه اين اعتبار را ما داريم راي ميدهيم هم جلوگيرى بشود از بيچارگى مردم وهم تصديق ميفرمايد كه يك آموزگارى كه با ۱۰۰ تومان حقوق استخدام ميشود وقتى اهل محل نباشد وقتى وارد محل شد بواسطه نداشتن خرج معيشت و خانه مسلماناً با فراغت خاطر نمى تواند انجام وظيفه بكنند

با اينكه ناچار است از راه راست و درستى و امانت خارج بشود اما يك نفر آموزگار اهل محل كه هم علاقمند بعمل است مسلماً با اين حد اقل حقوق وظيفه اش را مى گواند بهتر انجام بدهد بنا بر اين بنده اين پيشنهاد را كردم كه

تبصره - در اجراى اين قانون داوطلبان محلى كه حائز شرايط آموزگارى باشند براى شغل آموزگارى حق تقدم خواهند داشت

نايب رئيس - آقاى انبكيه با اين پيشنهاد موافقت دارند قيام بفرمائيد (اغلب برخاستند)

تصويب شد

پيشنهاد ديگرى قرائت ميشود (پيشنهاد آقاى معتمد دماوندى)

(بشرح زير قرائت شد)

پيشنهاد ميكند كه تبصره زير بماده واحده افزوده شود

تبصره - تا موقعى كه دبستانهاى دولتى به تعداد كافى براى با سواد كردن عموم تأسيس نيافته مبلغى كه از طرف وزارت فرهنگ در هر شهرستان مصرف ميشود بايد اقل هشاد درصد آن بمصرف توسعه تعليمات و تأسيس دبستانهاى ابتدائى در تمام نقاط آن شهرستان برسد دبستانهاى فنى و دانش سراها از اين پيش بى مستثنى هستند

نايب رئيس - آقاى معتمد دماوندى

معتمد دماوندى - بيشتر منظور بنده اين بود كه شايد از اين لايحه براى قراء و شهرستانها يك استفاده اى بشود و آقاى پور مستحضرند كه در مركز شهرستانها كم و بيش دبستانها و دبيرستانهاى دبير است كه اغلبشان يا اجاره اى است و يا در بعضى شهرستانها هم ساختمانهاى وزارت فرهنگ دارد و اخيراً هم طبق قانون شهردارى ها در بعضى از شهرستانها بناهاى هم خريده اند و در اختيار آنها گذاشته اند بنا بر اين از لحاظ شهرها بايد گفت كه فرهنگ كم و بيش توسعه دارد ولى متأسفانه قراء و قصبات و دهستانهاى شهرستانهاى مركزى بعلت آنكه قراء و قصبات خيلى از هم دور است اگر در يكي از قراء فى المثل بوسيله مالك يا بوسيله مردمان خير آن قريه يا بوسيله وزارت فرهنگ مدرسه اى تأسيس شود قراء ديگر اصلاً محرومند و نميتوانند بچه هايشان بيابند در اين قريه درس بخوانند هر چند اين امر در گيلان بخصوص مستثنى است و اگر در يكي از قراء مدرسه اى ساخته شود دانش آموزان ميتوانند از قراء دو كيلومترى و سه كيلومترى بيابند آنجا درس بخوانند چون قراء آنجا هم نزديك است اما در شهرستانهاى مركزى اينطور نيست و فاصله قراء از يكديگر زياد است قراء بلكلى فاقد دبستان و تأسيسات فرهنگى هستند در اين پيشنهاد اينجور پيش بى شده كه وزارت فرهنگ در درجه اول بفركر ايجاد و تأسيس دبستان آنها در دبستانهاى ۴ كلاس بمنظور بيشرفت تعليمات اجبارى در قراء و قصبات و دهستانهاى مملكت باشد و مادام كه اين دبستانها تأسيس نشده از ايجاد هرگونه مؤسسات فرهنگى در شهرها بايد خوددارى كند البته دبستان فنى و دانش سرا هاى مقلماى كه براى تعليم مسلم لازم است

پيشنهاد مى نمايم تبصره زير بماده واحده اضافه شود:

تبصره - در اجراى اين قانون داوطلبان محلى براى شغل آموزگارى با رعايت شرايط مقرر حق تقدم خواهند داشت

نايب رئيس - آقاى شهيدى

شهيدى - مقدمه اى خواستم عرض كنم يكي از علل رد شدن اين پيشنهادات عدم توجهى است كه آقاى پور دارند بنده تمنى دارم كه اين عدم توجه شامل پيشنهاد بنده نشود

بنده پيشنهاد كردم

كه در اجراى اين قانون داوطلبان محلى براى شغل آموزگارى با شرايط مساوى حق تقدم خواهند داشت (صحيح است) حالا كه اين اعتبار را ما داريم راي ميدهيم هم جلوگيرى بشود از بيچارگى مردم وهم تصديق ميفرمايد كه يك آموزگارى كه با ۱۰۰ تومان حقوق استخدام ميشود وقتى اهل محل نباشد وقتى وارد محل شد بواسطه نداشتن خرج معيشت و خانه مسلماناً با فراغت خاطر نمى تواند انجام وظيفه بكنند

با اينكه ناچار است از راه راست و درستى و امانت خارج بشود اما يك نفر آموزگار اهل محل كه هم علاقمند بعمل است مسلماً با اين حد اقل حقوق وظيفه اش را مى گواند بهتر انجام بدهد بنا بر اين بنده اين پيشنهاد را كردم كه

تبصره - در اجراى اين قانون داوطلبان محلى براى شغل آموزگارى با رعايت شرايط مقرر حق تقدم خواهند داشت

نايب رئيس - آقاى شهيدى

شهيدى - مقدمه اى خواستم عرض كنم يكي از علل رد شدن اين پيشنهادات عدم توجهى است كه آقاى پور دارند بنده تمنى دارم كه اين عدم توجه شامل پيشنهاد بنده نشود

بنده پيشنهاد كردم

كه در اجراى اين قانون داوطلبان محلى براى شغل آموزگارى با شرايط مساوى حق تقدم خواهند داشت (صحيح است) حالا كه اين اعتبار را ما داريم راي ميدهيم هم جلوگيرى بشود از بيچارگى مردم وهم تصديق ميفرمايد كه يك آموزگارى كه با ۱۰۰ تومان حقوق استخدام ميشود وقتى اهل محل نباشد وقتى وارد محل شد بواسطه نداشتن خرج معيشت و خانه مسلماناً با فراغت خاطر نمى تواند انجام وظيفه بكنند

با اينكه ناچار است از راه راست و درستى و امانت خارج بشود اما يك نفر آموزگار اهل محل كه هم علاقمند بعمل است مسلماً با اين حد اقل حقوق وظيفه اش را مى گواند بهتر انجام بدهد بنا بر اين بنده اين پيشنهاد را كردم كه

تبصره - در اجراى اين قانون داوطلبان محلى براى شغل آموزگارى با رعايت شرايط مقرر حق تقدم خواهند داشت

نايب رئيس - آقاى فرامرزى

فرامرزى - وزارت فرهنگ خودش باين مشكل بر خورد ميسنمايد و كلابى شهرستان هاهم باين مشكل بر خورده اند عموماً در دهات و نقاط دور دستى كه وزارت فرهنگ بودجه دارد كه يك دبستانى تأسيس كند معلم گيرنى اينمعلمى كه واجد شرايط قانونى باشد گير نمى آيد با توجه آنجا كه در دهات و مناطق دور دستى كه وزارت فرهنگ مستحق تأسيس است

تبصره - در اجراى اين قانون داوطلبان محلى براى شغل آموزگارى با رعايت شرايط مقرر حق تقدم خواهند داشت

نايب رئيس - آقاى فرامرزى

فرامرزى - وزارت فرهنگ خودش باين مشكل بر خورد ميسنمايد و كلابى شهرستان هاهم باين مشكل بر خورده اند عموماً در دهات و نقاط دور دستى كه وزارت فرهنگ بودجه دارد كه يك دبستانى تأسيس كند معلم گيرنى اينمعلمى كه واجد شرايط قانونى باشد گير نمى آيد با توجه آنجا كه در دهات و مناطق دور دستى كه وزارت فرهنگ مستحق تأسيس است

مستثنى است و بنده قبل هم يك پيشنهادى داده بودم كه از ماده ۵۱ قانون شهردارى استفاده اى براى قراء و قصبات بشود ولى جناب آقاى وزير كشور فرمودند كه اين لايحه مربوط بقانون شهردارىها نيست مربوط بوزارت فرهنگ است و خوبست كه اين پيشنهاد آنجا مطرح بشود كه سابقه براى فرهنگ صدى سه از شهردارىها مى گرفتند اما حالا صدى پنج از كل درآمد شهردارى ميگيرند اما من پيشنهاد كردم كه بمنظور تأسيس دبستان در قراء اطراف همان شهر كه از هر حيث به شهردارى كمك ميكند از لحاظ آذوقه شهرها كه محصولات خودشان راميدهند و بالاخره در مقدار كلى عوارض شهردارىها سهيم هستند به آنها داده شود كه متأسفانه آقاى پور دستور فرمودند آن پيشنهاد در لايحه شهردارىها داده شود و بنده اطاعت كردم و پس گرفتم حالا آقاى وزير فرهنگ توجه بفرمائيد مردم اين مملكت ميل دارند درس بخوانند مخصوصاً اطفال اين مملكت پدر و مادر هايشان والدينشان ميل دارند كه درس بخوانند ولى متأسفانه در دهات هيچ وسيله اى نيست در شهرها يك مكتب خانه هاى قديمى هستند كه اگر در مدارس جديد جا براى اطفال نبود ميشود دست آن بچه ها را گرفت و در آن مكتب خانه ها نشانند ولى در قراء و قصبات اينطور هم نيست بنا بر اين بنده استدعا ميكند كه آقاى وزير فرهنگ باين پيشنهاد بنده توجه بفرمائيد و آقاى پور هم راي بدهند

نايب رئيس - آقاى وزير فرهنگ و آقاى پور سرتيب آقاى انبكيه موافقت قيام بفرمايند

(اغلب برخاستند)

تصويب شد . پيشنهاد ديگرى قرائت مى شود

(پيشنهاد آقاى شهيدى بشرح زير قرائت شد)

رياست محترم مجلس شورى اعلى پيشنهاد مينمايم تبصره زير بماده واحده اضافه شود

تبصره - در اجراى اين قانون داوطلبان محلى براى شغل آموزگارى با رعايت شرايط مقرر حق تقدم خواهند داشت

نايب رئيس - آقاى شهيدى

شهيدى - مقدمه اى خواستم عرض كنم يكي از علل رد شدن اين پيشنهادات عدم توجهى است كه آقاى پور دارند بنده تمنى دارم كه اين عدم توجه شامل پيشنهاد بنده نشود

بنده پيشنهاد كردم

كه در اجراى اين قانون داوطلبان محلى براى شغل آموزگارى با شرايط مساوى حق تقدم خواهند داشت (صحيح است) حالا كه اين اعتبار را ما داريم راي ميدهيم هم جلوگيرى بشود از بيچارگى مردم وهم تصديق ميفرمايد كه يك آموزگارى كه با ۱۰۰ تومان حقوق استخدام ميشود وقتى اهل محل نباشد وقتى وارد محل شد بواسطه نداشتن خرج معيشت و خانه مسلماناً با فراغت خاطر نمى تواند انجام وظيفه بكنند

با اينكه ناچار است از راه راست و درستى و امانت خارج بشود اما يك نفر آموزگار اهل محل كه هم علاقمند بعمل است مسلماً با اين حد اقل حقوق وظيفه اش را مى گواند بهتر انجام بدهد بنا بر اين بنده اين پيشنهاد را كردم كه

تبصره - در اجراى اين قانون داوطلبان محلى براى شغل آموزگارى با رعايت شرايط مقرر حق تقدم خواهند داشت

نايب رئيس - آقاى شهيدى

شهيدى - مقدمه اى خواستم عرض كنم يكي از علل رد شدن اين پيشنهادات عدم توجهى است كه آقاى پور دارند بنده تمنى دارم كه اين عدم توجه شامل پيشنهاد بنده نشود

بنده پيشنهاد كردم

كه در اجراى اين قانون داوطلبان محلى براى شغل آموزگارى با شرايط مساوى حق تقدم خواهند داشت (صحيح است) حالا كه اين اعتبار را ما داريم راي ميدهيم هم جلوگيرى بشود از بيچارگى مردم وهم تصديق ميفرمايد كه يك آموزگارى كه با ۱۰۰ تومان حقوق استخدام ميشود وقتى اهل محل نباشد وقتى وارد محل شد بواسطه نداشتن خرج معيشت و خانه مسلماناً با فراغت خاطر نمى تواند انجام وظيفه بكنند

با اينكه ناچار است از راه راست و درستى و امانت خارج بشود اما يك نفر آموزگار اهل محل كه هم علاقمند بعمل است مسلماً با اين حد اقل حقوق وظيفه اش را مى گواند بهتر انجام بدهد بنا بر اين بنده اين پيشنهاد را كردم كه

تبصره - در اجراى اين قانون داوطلبان محلى براى شغل آموزگارى با رعايت شرايط مقرر حق تقدم خواهند داشت

نايب رئيس - آقاى فرامرزى

فرامرزى - وزارت فرهنگ خودش باين مشكل بر خورد ميسنمايد و كلابى شهرستان هاهم باين مشكل بر خورده اند عموماً در دهات و نقاط دور دستى كه وزارت فرهنگ بودجه دارد كه يك دبستانى تأسيس كند معلم گيرنى اينمعلمى كه واجد شرايط قانونى باشد گير نمى آيد با توجه آنجا كه در دهات و مناطق دور دستى كه وزارت فرهنگ مستحق تأسيس است

تبصره - در اجراى اين قانون داوطلبان محلى براى شغل آموزگارى با رعايت شرايط مقرر حق تقدم خواهند داشت

نايب رئيس - آقاى فرامرزى

فرامرزى - وزارت فرهنگ خودش باين مشكل بر خورد ميسنمايد و كلابى شهرستان هاهم باين مشكل بر خورده اند عموماً در دهات و نقاط دور دستى كه وزارت فرهنگ بودجه دارد كه يك دبستانى تأسيس كند معلم گيرنى اينمعلمى كه واجد شرايط قانونى باشد گير نمى آيد با توجه آنجا كه در دهات و مناطق دور دستى كه وزارت فرهنگ مستحق تأسيس است

تبصره - در اجراى اين قانون داوطلبان محلى براى شغل آموزگارى با رعايت شرايط مقرر حق تقدم خواهند داشت

نايب رئيس - آقاى فرامرزى

فرامرزى - وزارت فرهنگ خودش باين مشكل بر خورد ميسنمايد و كلابى شهرستان هاهم باين مشكل بر خورده اند عموماً در دهات و نقاط دور دستى كه وزارت فرهنگ بودجه دارد كه يك دبستانى تأسيس كند معلم گيرنى اينمعلمى كه واجد شرايط قانونى باشد گير نمى آيد با توجه آنجا كه در دهات و مناطق دور دستى كه وزارت فرهنگ مستحق تأسيس است

تبصره - در اجراى اين قانون داوطلبان محلى براى شغل آموزگارى با رعايت شرايط مقرر حق تقدم خواهند داشت

يك قانونی است که معلم دارای تصدیق شد در صورتیکه فرهنگ ماجوان است جدی که دانشگاه ماهم خیلی از استادهايش تصدیق ندارند دبیرستانهای ماهم خیلی از پیرانش تصدیق ندارند اینها تحصیلات خارج کرده اند در دهات کسانی هستند که بکتاب خانه های قدیم را دیده اند خودشان کتاب خوانده اند مدارس مذهبی رفته اند ولی تصدیق ابتدائی و تصدیق متوسطه را ندارند تحصیلات متفرقه کرده و صلاحیت معلمی هم دارند وزارت فرهنگ باید بتواند بتواند کنترات لااقل از آنها استفاده بکند که نوبی آن مدارس درس بدهند چه و ن قانون منع کرده وزارت فرهنگ را نمیتواند اینکار را بکند من پیشنهاد کردم که وزارت فرهنگ دستش برای اینکار باز باشد امسال يك مقدار مدرسه لازم داریم وزارت فرهنگ هم بودجه دارد اما معلم واجد شرایط از طهران نیروی آنجا ولی کسانی که تحصیلات متفرقه کرده اند و شایستگی دارند که در این مدارس تدریس کنند اینها را استخدام کنند من میخواستم که این قید را بردارم حالا اگر وزارت فرهنگ راه دارد من پس بگیرم و اگر راه ندارد و من هم میدانم که راه ندارد قبول کند

نایب رئیس - آقای وزیر فرهنگ **وزیر فرهنگ** - عرض کنم که تمام کوشش وزارت فرهنگ این است که با نوسه دانشسراها و ترویج دانش را با آموزش کار خوب و واجد شرایط تربیت کند و اگر بنا بشود که بعنوان شایستگی ما اشخاص را بسمت آموزش کار استخدام کنیم وضع این دانشسراها درهم خواهد شد و این پیشنهاد که شده بهیچوجه صلاح نیست ولی در مواقعی که وزارت فرهنگ خیلی نعت مضیق افتاده و واقعاً معلم نتوانسته است پیدا کند از اشخاص با پیواد بعنوان کمک آموزگاریا آموزگار پیمانی استفاده کرده است ولی اینها را بهیچوجه عنوان آموزگار نمیتوانیم بدهیم اگر بدهیم در اینصورت بهتر خواهد بود که در دانشسراها ایمان را ببندیم و بیشتر این اشخاص هم همان معلم های مکتب خانه های دهات هستند که بهیچوجه

صلاحیت اینکه تعلیم به بچه های دهات بدهند ندارند منتهای سوادشان همان عمه جزواست که تدریس میکنند این است که از آقای فرامرزی بنده تقاضا میکنم که يك روزی بوزارت فرهنگ تشریف بیاورند تا با تبادل نظر کامل و وقت در تمام جوانب قضیه ترتیبی برای اینکار بدهیم و در صورتیکه لازم شد لایحه جداگانه ای تقدیم میکنم. حل این قضیه با این تعجیل صلاح نیست و استدعا میکنم که پیشنهادشان را پس بگیرند

فرامرزی - با این توضیحی که فرمودند بنده پس گرفتم
نایب رئیس - روی هم رفته هفت پیشنهاد از مجموع پیشنهادها مورد توجه و تصویب مجلس قرار گرفته است نسبت به سه پیشنهاد تقاضای تجزیه شده است

فرامرزی - من پیشنهاد تجزیه را پس بگیرم
نایب رئیس - پس چهار رأی باید بگیریم يك رأی بماده واحده با پنج تبصره يك رأی به تبصره ای که آقای ذوالفقاری پیشنهاد کردند يك رأی به پیشنهاد آقای نبوی و يك رأی کلی هم بعد از آنکه تکلیف ماده واحده و تبصره ها معلوم شد با ورقه گرفته میشود

ناصر ذوالفقاری - بتجزیه رأی گرفته میشود؟
نایب رئیس - خیر با آنچه که نسبت بان تقاضای تجزیه شده است

ناصر ذوالفقاری - بر عکس است
نایب رئیس - خیر بتجزیه که رأی نمیشود گرفت
• اول رأی بگیریم بماده واحده و پنج تبصره با اصلاحاتی که مورد توجه واقع شد آقایانی که موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد پیشنهاد آقای قنات آبادی راجع به تجزیه یکی از تبصره ها قرائت میشود (بشرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که تبصره پیشنهادی آقای ذوالفقاری در موقع رأی از اصل لایحه تجزیه گردد
نایب رئیس - پیشنهاد آقای ذوالفقاری که تصویب شده است قرائت میشود

تبصره - معلمینی که در ساعات تدریس خود در کلاس به تبلیغات حزبی بپردازند بخدمت آنها فوراً خاتمه داده خواهد شد
نایب رئیس - رأی بگیریم اگر با این رأی مجلس تصویب کرد این تبصره باقی میماند والا از بین میرود آقایانی که با این تبصره موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد پیشنهاد تجزیه دیگر از آقای د کتر کیان رسیده است که قرائت میشود

(بشرح زیر قرائت شد)
اینجانب پیشنهاد میکنم تبصره پیشنهادی - بناب آقای نبوی از لایحه تفکیک و بطور تجزیه اخذ رأی بعمل آید
نایب رئیس - تبصره آقای نبوی که مورد توجه واقع شده قرائت میشود (بشرح زیر قرائت شد)

تبصره - غیر از خدمتگزاران جزء و دون پایه استفاده از این اعتبار در قسمت پرداخت حقوق و مزایا منحصر بکسانی خواهد بود که عملاً در دبستانها تدریس مینمایند و همچنین مصارفی که مستقیماً در مدارس انجام شود

نبوی - دانشسراهای مقدماتی را هم اضافه بفرمائید

نایب رئیس - چون پیشنهاد قبلا تصویب شده دیگر نمیشود چیزی به آن اضافه کرد بهمین صورتی که خوانده شد رأی بگیریم آقایانی که موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد اعلام رأی کلی میشود نسبت بماده واحده با اصلاحات و تبصره هائی که تصویب شده با ورقه آقایانی که موافقت دارند ورقه سفید و مخالفین ورقه کبود خواهند داد

(اسامی آقایان نمایندگان بترتیب ذیل بوسیله آقای معتمد دماوندی (منشی) اعلام و در محل نطق اخذ رأی بعمل آمد)
آقایان: رفیع - مهندس زیر کزاده - مهندس حبیبی - ناظرزاده - امامی اهری - د کتر فلسفی - فتحعلی افشار - د کتر سنجابی - پورسرتیب - کریمی - د کتر شایگان - قنات آبادی - اخگر - خسرو قشقائی - ملک مدنی - پارسا - حائری زاده - وکیل پور - شهاب خسروانی

مدرس - بهادری - د کتر فقیهی شیرازی - عبدالرحمن فرامرزی - انگجی - کههد - فرزانه - میراشرفی - د کتر کیان - جلالی - شهیدی - ریگی - مصدقی - شبستری - عامری - صفائی - ناصر ذوالفقاری - د کتر مصباح - زاده - مجتهدی - خلخالی - احمد فرامرزی - د کتر معظمی - گنجی - هدی - اقبال - حاج سیدجوادی - مجد زاده - شوکتی - مهندس غروی - د کتر طاهری - ذکائی - نبوی - شادلو - مکی - جلیلی - امیر افشاری - نریمان - افشار - صادقی - نجفی - معتمد دماوندی - د کتر فاخر - (شماره آراء بعمل آمده و پس از استخراج ۶۷ ورقه موافق و ۴ ورقه سفید بی اسم شمرده شد)

نایب رئیس - از ۶۲ نفر عده حاضر لایحه اضافه بودجه وزارت فرهنگ با ۵۶ رأی موافق تصویب شد

اسامی موافقین - آقایان: جلیلی - مدرس - کریمی - حبیبی - حاج سید جوادی - مکی - نجفی - شهیدی - د کتر طاهری - ذکائی - فرزانه - شادلو - امامی اهری - د کتر کیان - مصدقی - پورسرتیب - مجتهدی - گنجی - شوکتی - احمد فرامرزی - عبدالرحمن فرامرزی - فتحعلی افشار - مهندس زیرک زاده - انگجی - قنات آبادی - د کتر معظمی - د کتر سنجابی - امیر افشار جلالی - پارسا - معتمد دماوندی - وکیل پور - اخگر - خسرو قشقائی - ناظرزاده - کههد - د کتر مصباح زاده - بهادری - مهندس غروی - شهاب خسروانی - ریگی - مجد زاده - حائریزاده - د کتر فقیهی شیرازی - هدی - شبستری - جواد عامری - د کتر شایگان - ملک مدنی - ناصر ذوالفقاری - د کتر فاخر - نریمان - اقبال - افشار صادقی - نبوی - د کتر فلسفی

ورقه سفیدی اسم علامت امتناع چهار برک
تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه
نایب رئیس - با موافقت آقایان جلسه را ختم میکنیم. جلسه آینده روز سه شنبه دوم دی ساعت نه و ربع صبح دستور لایحه اتوبوسرانی و بعد لایحه زندانیان (مجلس یک ساعت و نیم بعد از ظهر ختم شد)
نایب رئیس مجلس شورای ملی
احمد رضوی